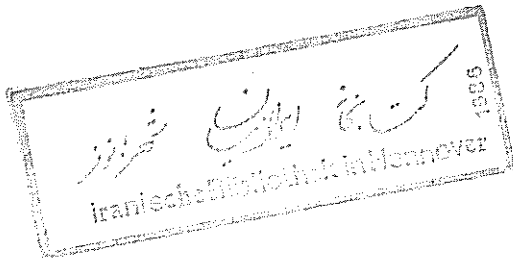


بهار ایران

سال پنجم - شماره ۱۹ زمستان ۱۳۷۸



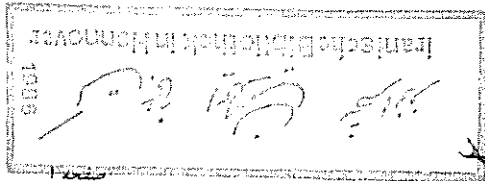
بهار ایران
کانون پناهندگان ایرانی - هلند
سال پنجم - شماره ۱۹ زمستان ۱۳۷۸

فهرست مطالب و همکاران این شماره:

۱	بهاران خجسته باد
۴	۲- روند تدریجی یا انقلابی... عباس - ر
۷	۳- دموکراسی، شرایط و موانع پدرام
۱۰	۴- گزیده‌هایی از اخبار و گزارشها
۱۳	۵- زندان قزلحصار افق
۱۴	۶- غمی غمناک هیما
۱۷	۷- احزاب درون رژیم و فیکورهای دمکراتیک.. عباس - ر
۲۰	۸- شیخ علی اکبر شاه (طنز) پدرام
۲۱	۹- چرا عصبانی می شویم افسانه پروین
۲۲	۱۰- از تاریخ پیاموریم خلاصه برداری
۲۸	۱۱- شما و بهار ایران

۱- بهار ایران نظرات و دیدگاههای مختلف را در چهارچوب سالم سازی برخورد آراء و عقاید و ارتقاء فرهنگ دموکراتیک بین افراد و نیروها درج می نماید.
۲- از درج مطالبی که در ترویج فرهنگ استبدادی و وابسته و بطور مشخص مطالبی که در حمایت از رژیم حاکم بر مبین و نظام سلطنتی باشد، خودداری می کنیم.
۳- مسئولیت هر مطلب به عهده نویسنده آن می باشد و چاپ مقالات و مطالب به معنی تأیید (یا رد) نظرات و دیدگاه های مطرح شده در آنها نیست.

گواهی باد هشتم مارس (۱۸ اسفند) روز همبستگی بین المللی زنان



بهار از خجسته باد

این دشمنان مردم برای مقابله با تغییرات ریشه ای در جامعه، از همان آغاز بدست گرفتن قدرت، سیاست تحریف ارزش های انقلاب و حذف نیروهای وفادار به آن را در پیش گرفتند و همسو با دشمنان بین المللی مردم برای مقابله با دست آورد های جنبش به توطئه چینی های گوناگون پرداختند. مدافعان امروزی رابطه با آمریکا و مدعیان اصلاحات، همان خط اسامی هائی هستند که با هدف ضربه زدن به نیرو های سیاسی و ضد امپریالیست آروز به راه اندازی غائله اشغال سفارت آمریکا پرداختند، تا بدین وسیله اذهان مردم را در دشمنی واقعی با استثمارگران و راه های مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم مخدوش نموده، زمینه ها را برای قتل عام نیروهای مردمی هموار سازند. که به بهای شهادت صدها هزار از بهترین فرزندان این مرز و بوم تمام شد. اکنون همان اشغالگران سفارت آمریکا مدافعان سینه چاک رابطه با شیطان بزرگ شده اند. اما نیرنگشان را به کوه ای دیگر ترتیب داده اند. این بار با تبلیغات اغراق آمیز در باره دموکراسی در غرب و مطرح نمودن آن به عنوان الگوی جامعه مدنی! می خواهند از آن سرابی برای خوش بین کردن دوباره مردم بسازند. در حالی که خود و همه مشاوران آمریکایی و انگلیسیشان به خوبی می دانند که در جامعه ای مثل ایران اگر حداقل شرایط برای اجرای قانون و همکاری سازنده و دموکراتیک فراهم گردد، چنان طوفانی به پا خواهد شد که اساس جامعه را به کلی متقلب خواهد کرد و دودمان همه آنها را بر باد خواهد داد. چیزی که گردانندگان حکومت بارها به آن اعتراف کرده، و اذعان نموده اند که تجربه سقوط شاه را مد نظر دارند، و می دانند که ایجاد ذره ای فضای باز تحت هر عنوان در جامعه، به نابودی سریعشان خواهد انجامید. بنابراین آگاهانه و تنها برای فریب اذهان عمومی مردم ایران و جهان شعارهای ایجاد جامعه قانونی را با بانگ بلند فریاد می زنند، اما در عمل حتی تحقق ذره ای از آن را نخواهند پذیرفت.

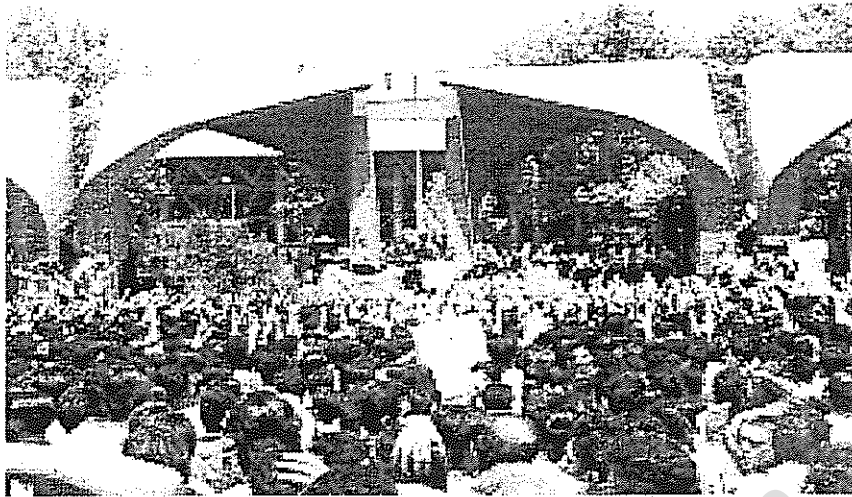
علاوه بر این وعده های دروغین ایجاد جامعه مدنی از طرف یک جناح از حاکمیت امر تازه ای نیست. سردمداران جمهوری اسلامی هر بار که در طول بیست و یک سال گذشته در بن بست بی کفایتی هایشان گرفتار می آمدند، برای کش دادن عمر حاکمیت خود یکی از تضاد های موجود درون دسته بندی های خویش را که همیشه فراوان هم پیدا می شوند، علم می کنند. تا خود را در تلاش

بیست و دومین نوروز پس از انقلاب بیست و دوم بهمن ۱۳۵۲ را در شرایطی جشن می گیریم که ایران سالی همراه با حوادث حساس و قابل توجه را پشت سر می گذارد.

جشن نوروز برای ایرانیان از دیرباز جشن پایان سردی و ظلمت، جشن زدودن کدورت ها و زشتی ها و موقعیتی برای سرور بر موفقیت ها و شکست های سال قبل بوده است. نوروز امسال همچون مصادف است با ایام گرامیداشت آغاز هزاره سوم میلادی که در آن جهانیان تغییرات شگفت انگیز در زندگی بشر را در قرن های گذشته مرور می نمایند.

قیام ۱۸ تیر بعزت ایجاد فضائی جدید در مبارزه برای نابودی رژیم حاکم بر ایران، یکی از پر اهمیت ترین حوادث سال گذشته محسوب می شود. رسوایی باند خاتمی و مدافعان آن، تضعیف جدی همه جناح های حاکمیت به صورت رسوایی دستگاه ها و مهره های کهنه و فاسد آن مانند شورای نگهبان و رفسنجانی، و خلاصه اوج گیری شگفت انگیز جرات مردم در کوچه و خیابان برای ضربه زدن به سیستم سرکوب و اختناق رژیم با انتقام از بسیجیان، که عملیات نظامی بر علیه ارکان اساسی رژیم نیز آنرا تقویت نموده، از جمله نشانه های این دوره است.

قیام ۱۸ تیر را می توان بازتاب زنده بودن مطالبات مردم از انقلاب بهمن ۵۷ نامید که در آن زمان با هدیه ده ها هزار شهید اوجی افتخارآمیز از حرکت مردم را به نمایش گذاشت. در آن تحول مردم ایران خواهان دگرگونی اساسی و سازنده در همه ابعاد جامعه و زندگیشان بودند و سرنگونی شاه تنها اولین گام آن محسوب می شد. اما دزدان انقلاب که همین مرتجعان حاکم، با همه جناح بندی های فعلی آن بودند، سعی کردند با سوء استفاده از اعتماد توده ها وانمود کنند که با سقوط سلطنت همه وظایف انقلاب به پایان رسیده است. آنان از همان فردای سقوط رژیم شاه به باز سازی نهاد های اداری و سرکوب پرداخته و در پشت شعارهای توخالی ضد امپریالیستی معامله بر سرمنافع مردم را دوباره آغاز کردند.



و علایجی برای مرگ محتوم این دشمنان قسم خورده ملت ایران در بر نخواهد داشت. چنین ترکیبی باز هم موجب خواهد شد تا ابعاد وسیع تری از جنایات آنان برملا گردد و بیشتر به جان یکدیگر بیفتند. زیرا زمانی که این مجلس به فرض بخواهد مصویاتی حتی در محدوده ادعا های خویش تهیه کند، "شمشیر داموکلس" شورای نگهبان و ولایت فقیه که قانون اساسی آنها را بیمه کرده است، مصوبات مدره ها را قطعه قطعه خواهد کرد، و سرنوشتی به جز تضعیف یکدیگر در انتظارشان نخواهد بود.

طراحان داخلی و بین المللی این فریب کاری ها که در غفلت ناشی از کوتاه بینی تاریخیشان گرفتارند، با همه این ترفند ها نتوانسته اند مردم را از ماندن در صحنه حوادث و درگیر شدن با جریانات باز دارند و آنها را به بی تفاوتی نسبت به مسائل خویش بکشانند. منفعت جویان و فرصت طلبان خارجی حامی حاکمیت هم، چه در غالب روشنفکران مردم و چه در لباس سیستم های غربی و زیر عنوان مدافعان نظم نوین جهانی، با حمایت از این ها سال ها است در پرتگاه رسوایی در مقابل مردم افتاده و اعتباری نزد ایرانیان برایشان باقی نمانده است.

جوش و خروش مردم که در انقلاب بهمن بارز شد و به خواسته های خود نرسید، علیرغم همه این ممانعت ها ادامه یافته و با ابعادی وسیع تر همراه با پیشرفتی متناسب با اوضاع امروز، به نسل جدید منتقل گردیده است. این مردم با تحمل بهایی سنگین و فدای صدها هزار شهید در بیست و یک سال گذشته، کلیت نظام ملایان را به آخر خط تسلیم تا نابودی نیایی رانده اند. اکنون در ازا هر شهیدی که از فرزندان این مرز و بوم گرفته اند ده ها و حتی صدها جوان مبارز و تشنه انتقام ظهور کرده، که محصول آن در قیام

برای بهبود اوضاع جلوه دهند. آنان هربار با حساب های پیچیده، مسئله ای را دامن می زنند. سپس دستگاه هایی را در رابطه با آن فعال کرده، عده ای را در این میان قربانی، و جنب و جوش هایی را تحریک می نمایند. سپس همه این ها را در بوق و کرنا کرده به وسیله رسانه های داخلی و وابسته غربی به اذهان مردم اینجا و آنجا القاء می نمایند. در اکثر قریب به اتفاق این موارد رد پای مشاوران علنی و یا مخفی خارجی، بویژه انکلیسی و امریکایی پیدا می شود، زیرا یکی دیگر از اهداف مهم آنها فراهم نمودن خوراک تبلیغاتی برای اذهان عمومی مردم در کشور های غربی است تا موانعی برای ادامه همکاری و معامله های سوداگرانه برایشان ایجاد نشود.

آن بخش از گردانندگان نظام سرکوب و ویرانی که اکنون سعی می کنند وانمود نمایند که از عواقب مرگبار اعمال خفقان و انحصار طلبی درس آموخته اند، فریبکارانی هستند که جدی تر از همیشه خطر را احساس کرده اند و درصددند خود را از مرگی که در چند قدمی خود می بینند نجات دهند. نکته جالب توجه اینجاست که این جنایت پیشگان تماما همان هایی بوده و هستند که از فردای سقوط دیکتاتوری سلطنتی به توطئه چینی و جنایت بر علیه مردم پرداختند، و قادر نبوده و حاضر نشده اند چهره های جدیدی را از بیرون مجموعه خود بپذیرند. صدها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق با دست های پلید همین اینها شکنجه و اعدام شده و یا به میدان های جنگ فرستاده شده اند.

تلاش برای ساختن مجلسی با اکثریت مدافعان خط خاتمی هم که با تقلب، به روش های شناخته شده رژیم، برنامه ریزی شده و به این گستردگی مورد استفاده تبلیغاتی در دست غربی های نفت خوار و در رأس آنها آمریکا قرار گرفته، در عمل به عقب نشینی و اعتراف بازهم بیشتر به جنایاتشان در مقابل مردم تبدیل خواهد شد،

موتری برای قانون و آزادی به حساب می آیند، که پیگیری جدی عناصر آگاه و احزاب مترقی برای تحقق دولت های خدمت گزار مردم در جوامع آزاد، و فشار بر دولت ها برای توجه به منافع و حقوق انسانی سایر ملل در روابط سیاسی و تجاریشان با دیکتاتور های حاکم بر کشور های خارجی، از جمله انعکاسات آن است.

یکی از مبانی دیدگاهی تشکیل دولت های خدمتگزار مردم در جوامع دموکراتیک امروزی، رابطه دموکراسی واقعی با موفقیت اقتصادی و ثبات اجتماعی است. بر اساس پژوهش های اقتصادی، هرگونه خلل در قبول آزادی های اساسی، زمینه بروز موانع جدی در رشد اقتصاد ملی و تهدیدی برای ثبات در جامعه خواهد بود. واقعیت مزبور که اکنون به عنوان تضاد بین رشد در آمد ملی و دور نگاه داشتن مردم از دخالت فعال در امور جامعه بروز نموده، بیش از همه گریبان محافل سیاست گزار در کشور های معروف به دموکراتیک و طراحان نظم نوین جهانی را گرفته است. زیرا قطب های قدرتمند سرمایه داری و سازمان های جاسوسی پایه ریزی شده بر اساس منافع آنان نمی توانند براحتمی تن به پذیرش نقش فعال همه آحاد مردم در امور مربوط به خویش را بدهند.

با آغاز سال نو، حال که پتانسیل نهفته در مردم ایران شور انگیز تر از همیشه نمایان است، بیانشیم با بهره گیری از تحارب گذشته، جشن های آغاز بهار را به سرفصلی جدید برای تعمیق همکاری ها و اقدامات جدی جهت به ثمر نشاندن فداکاری ها تبدیل کنیم. اکنون که حکام ایران دست هایشان به عنوان تسلیم بالا رفته و چاره ای جز اعتراف به جنایات بیست و یک سال گذشته ندارند، برای مردم ایران و جنبش ترقی خواهانه آن موقعیت بسیار مناسبی است که ضمن یافشاری بر حذف تمامیت نظام حاکم، با همدلی، همکاری و واقع بینی، به جستجوی راه حل های موثرتری برای جلب حمایت مردم جهت شرکت فعال در مبارزه نهایی بپردازند.

تلاش برای ساختن مجلسی با اکثریت مدافعان خط خاتمی هم که با تقلبات، به روش های شناخته شده، رژیم برنامه ریزی شده و به این گستردگی مورد استفاده تبلیغاتی در دست غربی های نفت خوار و در راس آنها آمریکا قرار گرفته، در عمل به عقب نشینی و اعتراف باز هم بیشتر به جنایاتشان در مقابل مردم تبدیل خواهد شد، و عاجی برای مرگ محتوم این دشمنان قسم خورده ملت ایران در بر نخواهد داشت.

تیرماه تبلور یافت و اجتناب ناپذیر بودن ادامه خیزش ها تا سرنگونی رژیم و حاکمیت آزادی و قانون بر جامعه را نوید می دهد. در دنیای خارج از ایران نیز مبارزه برای از بین بردن تبعیضات و نابرابری ها همچنان ادامه دارد. جهانیان در این ایام پایان هزاره ای را جشن می گیرند که در آن بشریت مشکلات فراوانی را پشت سر گذاشته و به بهای زحمات، فداکاری های بسیار وسیل خونبایی که جاری شد، پیشرفت ها و تجارب گرانبهایی بدست آورده است. در آغاز هزاره سوم میلادی جهان شاهد کیفیتی چشمگیر در مناسبات بین مردم و دولتهاست. مردم سراسر جهان اکنون قادر گشته اند خواسته های فراوانی را به مستبدان و جهان خواران تحمیل کنند و زمینه های قابل اتکایی برای تحقق حاکمیت مردمی بوجود آورند. درحالیکه تا اواسط همین قرن گذشته جنگ های ملی گرایانه و نژاد پرستانه، در حقیقت با تحریک جباران و خودکامگان و برای تقسیم جهان، جان میلیون ها انسان را گرفت و دنیای آن زمان را حتی با سابقه انقلاب صنعتی و از سرگذراندن عصر روشننگری در آتش خویش بلعید، ولی بالاخره جوامع متمدن موفق شدند قدمهای موتری برای جلوگیری از تکرار مجدد این ظلم ها و جنایات بردارند. انعقاد پیمان نامه ها با قدرت اجرایی در حال افزایش بین دول جهان و تشکیل اتحادیه های قدرتمند از ملت ها و اقوام مختلف، علیرغم تلاش برای گنجاندن اهداف سرمایه داری در آنها، تضمین های

بهار ایران

فرارسیدن سال نو بر همگان مبارک باد

روند تدریجی یا انقلابی، حرکتی که آغاز شده است به کدامین

سو می رود؟!

مقدمه:

بعد از دوم خرداد ۱۳۶۷ شمسی و انتخاب خاتمی بعنوان رئیس جمهور رژیم عده ای تصور می کنند که اوضاع ایران به کلی عوض شده است و بر این باورند که با وجود خاتمی در کنار ولایت فقیه و اعوان و انصار حزب الهه و چماقداران حامی او می توان با برخوردهای روشنگرانه و روندی تدریجی با دست اندرکاران کنار آمد و مردم را از وقایعی که در ایران می گذرد مطلع کرد. ایشان معتقدند این نوع برخورد در یک پروسه حرکتی ادامه می یابد تا مردم جایگاه خود را بشناسند و این بایک روند تدریجی امکان پذیر است و نه یک حرکت انقلابی که همه چیز را در هم ریزد و اوضاع را از دست دوم خردادی ها خارج کند. در همین رابطه می خواستیم از دوستان خواننده نشریه بهار ایران تقاضا کنیم که در صورت تمایل روی این مبحث مهم (روند تدریجی یا انقلابی) مقالات و موضوعاتی را بنویسند تا حداقل برای ایرانیان خارج از کشور این موضوع جالب توجه روشنتر شود!

عباس - ری

خط امام را مطرح کرده و معتقد بودند که خط امام خط چپی است که از درون رژیم می ریزد و بجلو می آید و اگر بنا است استحاله ای در درون رژیم صورت بگیرد همین خط است. (در حالیکه همه می دانیم که خمینی خود عامل اصلی تمامی جنایات و کشتار و... در کل کشور بود) به همین خاطر با دولت بازرگان که تشکیل شده بود از نهضت آزادی و حزب ملت ایران و ملی های مستقل دیگر برخوردی انتقادی داشتند و تمامی امید شان را به همان خط امام بسته بودند. گروههای ضد لیبرالیسم در همان زمان رفسنجانی و خامنه ای را میانه رو می دانستند و می گفتند این جناح هم به خط امام تمایل پیدا میکنند و نیروهای راست درون رژیم که هیئت متلفه (طرفدار بازار) و کلا نیروهای دیگر طرفدار بازار و تعدادی از نمایندگان مجلس و... همه به سمت راست می روند و جلسوی حرکات انقلابی حضرت امام و حامیان را می گیری (در حالیکه خمینی خود یکی از طرفداران پرو پا قرص بازار بود و حالا هم

رژیم جناح و دسته ها و افراد یا اشخاصی هستند که می توانند در خود رژیم استحاله ای بوجود آورند و این خود ایجاب می کرد که هیچگاه با رژیم یک دست برخورد نشود. از زمانی که خمینی زنده بود و به حیات ننگین خود ادامه می داد و شاهد جنایات این پیر گفتار دیکتاتور بودیم که مقوله خمینی خود بحث جداگانه ای را می طلبد! در حالیکه در همان زمان گروههایی خط خمینی را از دولت وقت جلوتر می دانستند و به اصطلاح می گفتند خط امام ضد امپریالیستی تر است! بعد از خمینی هم عده ای به میانه روی رفسنجانی دل خوش کرده بودند که آنهم نتیجه ای نداد. حالا هم خاتمی را معلم جامعه مدنی می دانند و امید شایان توجه به وعده های تو خالی او داده اند و این خود جای بسی تاسف است.

گروهها در حیات خمینی:

گروههایی مثل جنبش مسلمانان مبارز (جاسا) که رهبریت آن با دکتر سامی^(۱) بود) از ملی مذهبی ها، گروههایی مثل حزب توده ایران و اکثریتی ها (فرخ نگهدار) در زمان خمینی

روند تدریجی - استحاله یا انقلاب

بخشی که با چند تا از دوستان انجام شد خود باعث شد که ریشه یابی داشته باشیم از زمان تشکیل دولت موقت و دولتهای دیگر که اوضاع ایران را تا به امروز به اینجا کشانده اند در حاشیه آن به مقاطع مختلف نگاهی گذرا داریم که البته خود این مقاطع هر کدام به بحث جدا گانه ای دارد که ما به همین اکتفا می کنیم. بحث از اینجا شروع شد:

بعد از روی کار آمدن خاتمی و در دست گرفتن اوضاع وخیم کشور بعد از ۸ سال حکومت شاه اکبر و به بن بست کشاندن رژیم در گل مسانده، گروهها و شخصیتهای زیادی به خاتمی و کابینه ضعیفش امیدوار شدند که تغییراتی را در ایران آخوند زده بوجود آورد. در همین رابطه تحلیلهای آنها سمت و سویی دیگر پیدا کرد (یعنی از چپ چپ به راست راست غلتیدن) گرچه قبل از آنهم با رژیم سرکوبگر برخوردی واقع گرایانه نداشتند. گروههایی که هیچگاه رژیم را یک دست ندانسته و معتقد بوده اند که در درون

و... به این تحلیل رسیده اند که می توان به خاتمی و دولتش امیدوار بود و میگویند که مردم تدریجا دیدگاههایشان به مسایل و جامعه بازتر خواهد شد و دلشان را به چهار تا روزنامه ای که عمر تعدادی از آنها بیشتر از ۶ ماه تا یکسال نیست خوش کرده اند و اخیرا هم اخبار اقتصاد که در قسمتهای بعد به روزنامه ها نگاهی گذرا خواهم داشت.

روند تدریجی یا انقلابی

روند تدریجی یا انقلابی در جامعه ایران کنونی کدامین راه امکان پذیر است و بهتر بگویم کدامین راه آینده ایران را رقم خواهد زد؟

عده ای که خود روزی روزگاری مسلحانه با رژیم چنگ در چنگ بوده اند، معتقدند نباید روشهای انقلابی را تقویت کرد آنها میگویند مشی انقلابی دیگر اعتباری ندارد. معتقدند که آینده ایران نباید دستخوش حرکتهای انقلابی شود. به عبارتی انقلاب جواب خواسته های مردم ایران نیست! برای عوض کردن رژیم نباید از ابزارهای انقلابی استفاده کرد و بقول خودشان در رابطه با رژیم اصلا به حرکتهای انقلابی معتقد نیستند. آنها کشف تازه کرده اند و میگویند تمامی بدبختی های ما ایرانیان در طول تاریخ(خصوصا این چند ساله) همین حرکتهای انقلابی بوده است و اگر انقلاب نمی شد نهضت و یا بهتر بگویم قیام مردم با روشهای لیبرالی تاکنون موفقی تر بود. مثل نهضت آزادی و از این دست روشها در حالیکه میدانیم قبل از سرنگونی رژیم شاه می گفتند شاه باشد سلطنت کند ولی به حکومت کاری نداشته باشد) چنانچه می دانیم شاه حکومت مصدق را ساقط کرد و خود حکومت را در دست گرفت و مردم همان مقطع کوتاه را فضای باز می دانستند. آیا آخوندها چنین اجازه ای را به کسی و یا

کشتارهای دسته جمعی(سال ۶۷) ترورهای داخلی و خارجی(دادگاه باصطلاح میکونوس که تمامی سران رژیم را تروریست اعلام کرد) گرانی بی حد و حصر و افزایش قیمتها بطور سرسام آور- سرکوب و بیکاری افزایش خودکشی ها و بیماران روانی- افزایش جمعیت که بعدها خودشان مجبور شدند متوای خود را پیش بگیرند تا بتوانند جمعیت را کنترل کنند(جالب است بدانید تا ۲۰ سال دیگر اگر بشکل کنونی جلو برود جمعیت ایران بیش از ۱۰۰ میلیون خواهد شد) و خلاصه دیدیم که روند تدریجی و استحاله در آن مقطع سکوی پرش خود را اشتباهی انتخاب کرده بودند. در حالیکه همه می دانستیم که آخوندها بدنبال تثبیت کردن خود هستند و خمینی مرتب از تثبیت نظام صحبت می کرد بعد از آن هم خاومه ای و رفسنجانی و تقریبا تمامی آخوندها از تثبیت نظام می گویند. در سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی مسئله اصلی نظام ارتجاعی بود که می باید به مردم شناساند شود گرچه مردم خود همه چیز را با پوست لمس می کردند ولی حمایت و یا خط سازی به نفع خط امام و او را تافته جدا بافته از رژیم دانستن اشتباه بزرگ و جبران ناپذیری بود که متاسفانه گروههای نامبرده به آن دامن زدند و هرگز به اشتباه خود هم پی نبرده و یا اگر برده اند این جرئت را نداشته اند که از گذشته خود درس بگیرند و واقعیت را به مردم بگویند.

روند کنونی و دولت خاتمی

حال با برگزیده شدن خاتمی به عنوان رئیس جمهوری رژیم دقیقا همان اشتباهات گذشته به صورتهای دیگر تکرار می شود و درست همان نیروهایی که بعد از مدتی از هم پاشیده شدن در وعده ای دیگر با نامهای مستقل و انجمن های پژوهش و روشنفکر

خوب می شود فهمید که جایگاه هیئت موثفه کجاست!

در همان موقع ارتجاعی ترین خط همان خط امام بود که بعد از گرفتن سفارتخانه آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (دولت میر حسین موسوی) قرار گرفت. همان چیزی که خمینی و پیروانش می خواستند.

بعد از حاکمیت دولت خط امام همگی شاهد بودیم که بازار چه بر سر اقتصاد کشور آورده و جنگ با عراق هم وسیله ای شد برای سرکوب تمامی نیروهای سیاسی بالاخص نیروهایی که مسلحانه با رژیم چنگ در چنگ بودند در همین مقطع با دستور خمینی کردستان را با خاک یکسان کردند و خط امام را در میان ناباوری به پیش بردند و نیروهای طرفدار ایسن خط همچنان لیبرالیسم را مانع اصلی بدبختی مردم می دانستند در حالیکه می دیدیم که ارتجاع غدار چگونه خانه و کاشانه مردم را ویران می کند و کمترین آزادی های مردم را با سرکوب جواب می دادند و میدهند. در آن موقع نه تنها نیروهای میانه رو به سمت خط امام آمدند بلکه تا زمانی که خمینی زنده بود آنها آینده تیره تری را برای کشور تدارک دیده بودند. طبق خبرهای درونی آن موقع رفسنجانی جریان برانداختی منتظری را برنامہ ریزی و با جلو انداختن احمد خمینی توطئه ای را که دیدیم پی ریزی کردند و قائم مقام رهبری را یک شبه به زیر کشیدند و رنجامه ای هم بر علیه اش صادر کردند. خط امام بدین صورت در دولت بعدی بدست رفسنجانی (میانه رو) افتاد و مصیبتی که رفسنجانی در طول هشت سال حکومتش بر سر مردم آورد از دید هیچ انسان منصفی پنهان نیست.

دست غیر خودی خواهند داد؟ (البته خودی و غیر خودی نه از نسوع آخوندها) آخوندهایی که برای نوشتن یک نمایشنامه در تمامی تریبونها و نماز جمعه های خود برای ملت شاخ و شانه می کشند و راهی تازه برای سرکوب مردم می یابند آیا اعتمادی به آنها هست؟ (نقدی گفته است من حکم خدا را اجرا می کنم، میکشم و می زنم و این یعنی حکم خدا!)

آقایانی که به روند تدریجی رسیده اند خود در پروسه مبارزاتی اشان روزگاری مسلحانه بر علیه این رژیم جنگیده اند بعد از گذار از این پروسه و بعد از جمع بندی از گذشته شان به این نتیجه رسیده اند که اصلا انقلاب جواب مسئله ایران نیست و بعد از ۲ خرداد ۷۶ میگویند مردم حرکتی را آغاز کرده اند و آن روش تدریجی و گام به گام است که به مسایل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران جواب خواهند داد!! دقیقا این همان اشتباهی است که در قسمت اول بحث گروههای طرفدار خط امام مرتکب شدند. اینبار هم همان خط امامی هایی هستند که حالا ابراز ندامت می کنند و از گذشته خود پشیمانند از گرفتن سفارتخانه آمریکا پشیمان از سرکوب و زندان و... پشیمان ولی این جناح اینبار به شکلهای دیگر به سرکوب ادامه میدهند. باید این سوال را مطرح کرد اصلا این رژیم استحاله پذیر هست یا نیست؟ و اگر استحاله پذیر است تا حاکمیت مردم یا تا تصویب بیشتر خود؟ آیا تاکنون چشم اندازی در این رابطه در یک مقطع کوچک از خود نشان داده اند؟ اگر آری کدام مقطع؟ کافی است به همین حرکت اخیر دانشجویان توجه شود تا تمایل استحاله پذیری رژیم روشن شود. (خاتمی اینبار شمشیرش را از

رو بسته بود و اولین کسی بود که دستور سرکوب دانشجویان را صادر کرد) بهتر است نگاهی به دیدگاههای اقتصادی این دوستان بیندازیم تا درجه رشد شیوه های تدریجی را بهتر درک کنیم. می گویند که ما دوست داریم آمریکا هم با این رژیم رابطه اقتصادی برقرار کند وضع مردم بهتر میشود و مردم مثلا فرصت پیدا می کنند چند تا روزنامه بخرند و مطالعه کنند!! (حالا اگر آمریکا رابطه برقرار نکند مردم دیگر روزنامه نمی خوانند و یا فکر کردن مردم رابطه مستقیم با آمریکا دارد. چون آمریکا مردم را به نان و نوایی میرساند. آنها غافل از فکر پوسیده رژیم آخوندی اند که دزدیها و غارت و چپاولهایشان دمار از روزگار مردم در آورده است.)

رژیمی که در این ۲۰ ساله بخوبی نشان داده است قصد هیچگونه مذاکره ای با مردم ندارد و تمامی سرمایه ها را در جهت سرکوب و اختناق بکار می بندد. بطوریکه می بینیم هر چه بیشتر با کشورهای اروپایی رابطه برقرار میکنند فشارهای بیشتری روی مردم پیاده شده است (آلمانی ها خود کلاسهای امنیتی و سیاسی شان را در ایران تشکیل داده بودند که " اشمیت باوئر" رییس و سرپرست امنیتی آلمان در همین رابطه به ایران رفت.) و این یکی از ثمرات روابط اقتصادی با غرب بوده حالا باید دید آمریکا که همه اینها را درس میدهد چه گلی به سر مردم ایران خواهد زد! به این دوستان باید گفت در اشتباهید در صورتیکه می دانیم در حال حاضر ایتالیا ۳ میلیارد دلار به رژیم اعتبار بانکی داده است. آلمان که از دیر باز رابطه اقتصادی داشته است اطریش اخیرا با ۱۲۰ هزار نفر برای برقراری قراردادهای

اقتصادی به ایران رفته، انگلیس پیر روابط اقتصادی خود را محکم کرده و... ولی با وجود چنین رژیمی کوچکترین قدمی به جلو نخواهد رفت و هر روز وضع اقتصادی و سیاسی و ... مردم بدتر هم خواهد شد.

در جواب آنها باید گفت آمریکا هم با رژیم رابطه برقرار کند هیچ چیزی عوض نخواهد شد^(۳). این رژیم تروریست و توتالیتر از هر نظر باید منزوی شود. اگر هر چه رژیم از این انزوا در آید و هارتر و درنده تر خواهد شد و مردم سرا مسلما بیشتر سرکوب خواهد کرد. سرکوب اخیرا دانشجویان و دستگیریهایی بی حدو حصر اخیر موج جدید سرکوب بخاطر نمایشنامه ظهور و کنکور (نمایشنامه انجمن اسلامی دانشگاه امیر کبیر در نشریه موج) و هزاران مسئله دیگر ریشه در کجا دارد؟ ریشه در عدم ارتباط با آمریکا؟ هر چه رژیم منزوی تر شود فشار مردم و جرنیت مردم بر علیه چنین رژیمی مسلما بیشتر خواهد شد، آنقدر منزوی که نتواند قد راست کند چون رژیمی که گاز و نفت و حتی خاک و آب و آثار باستانی کشور را پیش فروش کرده و تمامی سرمایه کشور را در جیب های گشاد خود جای داده چه انتظاری دارید که برای مردم وضع خوب اقتصادی به ارمغان آورد.

روند انقلابی

در جریان دانشجویی که در ۱۸ تیرماه ۷۸ رخ داد دانشجویان به کمک مردم جان به لب رسیده است جان کلام را گفتند، تظاهرات با سرکوب رژیم شروع شد و به شهید شدن و دستگیری عمده زیادی از دانشجویان انجامید (اخیرا هم حکم اعدام چهار تن از دانشجویان را صادر کرده اند بدون اینکه نامی از کسی برده شود حتی دانشجویانی که در ابتدا به روند تدریجی و خواسته های صنفی - دانشجویی قناعت کرده بودند

دموکراسی، شرایط و موانع

پیشروان

و افراد جامعه در حین تولید نهادها و روابط دموکراتیک، از آنها استفاده می کنند و آنها را به مصرف می رسانند. در واقع تولید کننده و مصرف کننده یکی است. اگر به دلایلی (داخلی یا خارجی) افراد جامعه مبادرت به ایجاد تشکل های صنفی و سیاسی نکنند و یا در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شرکتی نداشته باشند، نهادها و روابط دموکراتیک هم شکل نخواهند گرفت و به بیانی ما با فقدان عینیت آزادی روبرو خواهیم شد. پس باید همه امکان مشارکت در خلق آزادی را داشته باشند و در عین حال قسادر باشند از دموکراسی و حقوق اجتماعی آنان هم بهره بگیرند.

اما چگونه می توان امکان چنین مشارکتی را فراهم نمود؟

واحدهای دموکراتیک در ادامه دوفعالیت آفریده می شوند ۱- کار ۲-

کنش اجتماعی

۱- کار

جامعه دموکراسی جامعه ای صنعتی است که بر بنیاد شهروند شاغل بنا می شود. در این جامعه اثرات گرایش دلالتی بازار بتدریج حذف و جای خود را به گرایش خلاق و صنعتی خواهد داد. بنابر این به جای طبقه متوسط فقیر و غیر متمرکز جامعه دلالتی که به مرز نابودی و فلاکت رسیده است، طبقه متوسط شاغل صنعتی و متمرکز شکل می گیرد که توانایی استقرار نهادهای دموکراسی را دارا است.

نوشته زیر بحثی است نظری در زمینه آزادی با نگاهی به جامعه ایران است. در این نوشته سعی شده تنها چارچوبها و کدهای مربوط به بحث ارائه گردد و از گسترش دامنه آن در هر قسمت خودداری شده است. بنابراین باید آنرا صرفاً در حد طرح مسئله آزادی تلقی نمود. غنی شدن گفتار، مستلزم مشارکت دوستان در نقد و بررسی و دادن نظرات اصلاحی است.

بنابراین ما بحث را به راه کارها، شرایط و موانع خلق این پدیده متمرکز خواهیم کرد و از مجادله های بی هوته ایده آلیستی که به آزادی به مثابه هویتی خارج از عینیت جامعه و به شکل بده بستان سیاسی (یا مذهبی) می نگرند خودداری خواهیم نمود. در این راستا، پرواضح است که دموکراسی را مستند به نشریات جامعه، توس، نشاط، صبح آزادگان، خرداد، فتح و امثالهم و افرادی چون شمس الواعظین، جلایی پور، نوری، حجاریان و گنجی که هریک به نحوی در مجموعه روابط قدرت حاکم درگیرند و گروههایی چون مجمع روحانیون، جبهه مشارکت، اتحادیه و... نمیکنیم. موارد استناد ما تنها نهادها و روابطی است که مستقل از قدرت حاکم عمل می کنند. در این میان عده ای برای اینکه هم از این قاعده پیروی کرده باشند و هم توجیهی بیابند که چطور در چند سال اخیر هیچ یک از عنلصر خارج از حاکمیت کوچکترین بهره ای از آزادی مورد ادعای حضرات نداشته اند، به تئوری - کمندی اپوزیسیون داخل حاکمیت توسل جسته اند که این نظریه همانقدر مضحک است که بگوئیم کسی با خودش کشتی گرفت و دوم شد!

دموکراسی پدیده ای است که در فرایندی درونی شده تولید و مصرف می شود به این عبارت که گروه های اجتماعی

در دنیای امروز، آزادی از چنان عینیتی برخوردار است که می توان آنرا مانند رشد جمعیت، تورم، اشتغال و... با اعداد و ارقام بیان کرد. تعداد اتحادیه ها و سندیکاهای مستقل، تشکل های دموکراتیک، احزاب و سازمان های سیاسی میزان مشارکت مردم در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، نشریات مستقل، انتشارات آزاد و... همه مواردی است که می توان عینا دید و در قالب آمار بیان نمود. لفاظی های بیهوده مانند، هیچ مکتبی به اندازه اسلام به آزادی بها نداده است، دموکراسی واقعی در اسلام است، همینکه می گوئید آزادی نیست خود نشانه آزادی است، اگر بی بنویاری آزادی است آزادی نمیخواهیم و... تنها گریزگاههایی هستند که سردمداران جمهوری اسلامی برای قابل هضم کردن جمهوری ننگین آنان به آن توسل می جویند.

آزادی مانند سایر محصولات اجتماعی انسان، پدیده ای است که در متن خود مجموعه ای از نهادها و روابط را شامل می شود. در جوامع دموکراتیک این نهادها و روابط در طول زمان به چنان حد تثبیتی رسیده اند که هویت و کارکردی مستقل یافته اند هرچند باز این هویت و کارکرد در اثر مشارکت مداوم شهروندان هستی می یابد و به زائده ای حاشیه ای بدل نمیشود.

دایره خودی‌ها امکان‌پذیر است و غیر خودی‌ها را از آن بهره‌ای نیست. ازسوی دیگر به شخصی به نام ولی فقیه قدرتی فرا قانونی بخشیده است که می‌تواند خارج از هر محدودیت قانونی به اعمال قدرت نامحدود خود بپردازد. جمهوری اسلامی در این چند ساله نشان داده است که تحت هیچ عنوانی حاضر نیست هیچ عنصری خارج از این طبقه برگزیده حاکم را به درون کاست قدرت راه دهد. و دگر اندیشان تنها مجازند دگراندیش باشند و به سود قدرت حاکم دگردیس و گرنه از خوان قدرت هیچ نصیبی ندارند.

۱- اولویت‌های فرا دنیائی

هر گونه تقدسی در هر زمینه (فکری، اجتماعی، طبقاتی، نژادی، تشکیلاتی و...) باعث می‌شود که فکر، فرد یا طبقه مقدس از اولیستی خاص و غیر قابل دسترس برخوردار شود که در مقابل هیچ گونه سوال و نقدی جوابگو نباشد. بالطبع این اولویت، مصونیت حقوقی خاصی را هم ایجاد می‌کند که جدا از حقوق عام و در نهایت در تضاد با منافع آنها است. از جامعه‌ای که اولویت‌های فرادنیایی و تقدس در آن به شکلی نهادینه در آمده است نمیتوان انتظار داشت که اعضا خود را باحقوق یکسان در مقابل قانون قرار دهد. در جمهوری ملایان، ولی فقیه بصورتی کاملاً تصنعی و ساختگی از الوهیتی خاص برخوردار شده است که او را غیر قابل انتقاد، غیر قابل دسترس، مصون از خطا با منشاء الهی! کرده است، و این امر تا بدان جاست که حتی امر بر جناب ولی فقیه رژیم هم مشتبه شده است و اخیراً خود را عاری از هرگونه اشتباهی دانسته است. تقدس بخشیدن به طبقه‌ای خاص، تقدس یک ایدئولوژی و قابل نقد شمردن همه تفکرات و

آوردند. فرد بیکار نه در پروسه تشکیل واحد‌های مستقل صنفی و سیاسی و استفاده از حقوق دموکراتیک خود مشارکت خواهد داشت و نه در فرآیند درونی شدن آن بهره‌ای از دموکراسی خواهد برد.

۲- کنش اجتماعی

کنش اجتماعی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های غیر انتفاعی انسان در ظرف جامعه که حقوق فکری، نژادی، زیست محیطی و... وی را در بر می‌گیرد و به او اعتبار انسان بودن می‌بخشد.

موانع کنش اجتماعی عبارتند از:

۱- قدرت مطلقه

تمام اعضای یک جامعه تنها به دلیل

ما مجاز نیستیم هیچگونه محدوده‌ای برای آزادی قائل شویم. فکر استبداد زده ما همیشه به دنبال محدوده‌ای برای همه چیز است. بی نهایت‌ها و نامحدودها در این تفکر جایی نداشته‌اند. اما در این زمینه باید پذیرفت که اگر صحبت از آزادی است، محدوده معنایی ندارد و اگر صحبت از محدوده می‌کنیم پس آزادی معنایی ندارد. محدوده دموکراسی را هر جامعه‌ای خود به طور طبیعی و به فراخور نیازهای زمانش بر دو پایه ۱- عقلانیت و ۲- زمان تعریف می‌کند.

است.

عضویت در یک نهاد اجتماعی و تنها به دلیل شهروند شمرده شدن، باید امکان آن را داشته باشند که نظرات و قدرت سیاسی خود را از طریق گروه‌های سیاسی و اجتماعی، برگزیدن و برگزیده شدن و شرکت در نهادهای حکومتی و اجرایی اعمال نمایند. اگر در جامعه‌ای تنها یک گروه برگزیده قدرت سیاسی را انحصاراً در دست گرفت و سایر اعضا را از آن محروم نمود، بطور طبیعی حقی را از تک تک عناصر اجتماعی ربوده است.

رژیم جمهوری اسلامی اعضا جامعه را به دو گروه خودی‌ها و غیر خودی‌ها تقسیم کرده است و گردش قدرت سیاسی تنها در

در ایران ما با اقتصادی مواجه ایم که شالوده آن بر روابط دلالتی و واسطه‌گری بنا شده است. طبقه برگزیده دلالت با بهره‌گیری از اهرم‌های قدرت توانسته‌اند در این چند ساله به انباشت عظیمی از سرمایه بپردازند. بیکاری به ابعاد فاجعه‌باری رسیده است. قشر عمده‌ای به فعالیت‌های غیر متمرکز و شغل‌های سیاه روی آورده‌اند. چند شغلی سناریوی روزمره اکثریت افراد جامعه شده است. با وجود این سیستم اقتصادی و با وجود طبقه دلال زالو صفت که شیره جان اقتصاد و کار را می‌مکد، امکان شکل‌گیری طبقات صنعتی و مدرن و به تبع آن نهادهای دموکراسی غیر ممکن

بدون گذار به جامعه صنعتی و حذف روابط دلالتی از بنیاد اقتصادی به هیچ وجه نمیتوان انتظار ایجاد جامعه مدنی و صنعتی را داشت.

در چنین شرایطی بدیهی است که دموکراسی ایده آلیستی آزاد منش‌های دروغین نه دلالتی را حذف خواهد کرد، نه به رشد صنعتی خواهد انجامید و نه نهادی دموکراتیک را بنیان خواهد نهاد. تنها جامعه‌ای می‌تواند به دموکراسی دست یابد که افراد آن بتوانند با کار و امنیت شغلی از مزایای نهادهای دموکراتیک بهره‌مند و آن را جزئی از بودن خود به حساب

ایدئولوژی‌ها به جز آن، تقدس یک عملکرد، تقدس یک ایسده، یک فرد... (آنقدر از این تقدس‌ها در جمهوری اسلامی زیاد است که پرونده سازی‌ها عمدتاً بر پایه همان انجام می‌شود) و هر گونه الویت فرا دنیایی که هرگونه تفکر، شخص و گروهی را در مقامی خاص و با امتیازات عالی قرار دهد، نافی اصول دموکراسی و حقوق اجتماعی است، و بدیهی است از حکومتی که موجودیت آن برپایه تقدس و عوارض ناشی از تقدس است نمیتوان انتظار هیچگونه دموکراسی را داشت.

- پلورالیسم

پذیرش اصل نسبیّت در آگاهی و اعلام در یک ردیف قرار دادن کلیه برداشت‌ها، تفکرات و ایدئولوژی‌ها بدون هرگونه الویتی. این اصل با اصول، ایدئولوژی رسمی در جمهوری اسلامی، اصل ارتداد و اصل رافت اسلامی (۱) منافات دارد، که باز دموکراسی را به حاشیه ای بی سرانجام می‌کشاند.

اینجا مواردی هستند که فرد را به مشارکت در کنش اجتماعی دعوت می‌کنند و یا او را از آن باز می‌دارند اما باید پذیرفت که حتی اگر حکومتی کاملاً دموکراتیک در جامعه ای مانند جامعه ایران بر سر کار آید، فرایند تثبیت و نهادینه شدن دموکراسی فرایندی کوتاه مدت نخواهد بود.

ما مجاز نیستیم هیچ گونه محدوده ای برای آزادی قائل شویم، فکر استبداد زده ما همیشه به دنبال محدوده ای برای همه چیز است. بی نهایت‌ها و نا محدودها در این تفکر جایی نداشته اند. اما در این زمینه باید پذیرفت که اگر صحبت از آزادی است، محدوده معنایی ندارد و اگر صحبت از

محدوده می‌کنیم پس آزادی معنایی ندارد. محدوده دموکراسی را هر جامعه ای خود به طور طبیعی و به فراخور نیازهای زمانش بر دو پایه ۱- عقلانیت و ۲- زمان تعریف می‌کند.

منظور از عقلانیت، شیوه ای از اندیشیدن در مقابل تقدس و احساس است و نه از نوع ارسطویی (که تقدس ساز است) که عقلانیتی آزاد و عام است.

از سوی دیگر ما متأسفانه همیشه با خلا عظیم زمانی در زمینه آزادی روبرو بوده ایم. تفکرات و حکومت‌های هر عصر که به آزادی از منظر بدهستان‌های سیاسی می‌نگریسته اند (و اغلب مانند حکام جمهوری اسلامی آنرا ارث پدری اشان می‌دانسته اند) هیچ زمان فرصتی برای نهادینه شدن آن نگذاشته اند. اگر ما بر پایه "عقلانیت" به آزادی "فرصت" لازم بدهیم، بی تردید مشخص از هر تفکری و دقیق تر از هر دیدگاهی خود را تعریف خواهد کرد. تنها وظیفه هر حکومتی، برداشتن موانع و خلق شرایطی است که در آن، دموکراسی بتواند بنیادهای خود را بسازد و باندهای محدوده خود را هم نه به شکلی تصنعی و تحمیلی و بر پایه تعاریف من در آوردی، که آزاد و منطبق بر فرهنگ و زمان مشخص کند. بنا بر این باید کرکه همه بحث‌های رایج را که "پس محدوده آزادی چه می‌شود" را پایین کشید و به دموکراسی از دیدی آزاد تر نگریست.

پانویس:

۱- این اصل آخوندها را مجاز می‌دارد که هر کسی را که تفکری غیر از آنها داشت محکوم به مرگ کنند و تنها رافت اسلامی حضرات رقیق القلب است که آنها را زنده نگه داشته است و گونه در شرایط خاص (و تعریف این شرایط هم مانند کشتار زندانیان در سال ۶۷ به عهده خود حضرات است)، آخوندها می‌توانند همه را از دم، سلاخی کنند.

بقیه "روند تدریجی..." از صفحه ۶ در روزهای آخر با وجود دیدن درنده خویی رژیم سفاک شعارهای خود را عوض کرده و می‌گفتند میکشم میکشم آنکه برادرم کشت (روند انقلابی) پس می‌بینیم اینها با روند تدریجی جور در نمی‌آید کشتن پاسدار و آخوند و حذف آخوندها از صفحه روزگار آیا با روش تدریجی امکان پذیر است؟

پس اگر نمی‌توانید این مسائل را در جامعه تجزیه و تحلیل کنید بگذارید مردم خودشان می‌دانند به کدام سمت و سو بروند و من در پایان یک جمله می‌گویم: شما به آخوندها بگویید فقط یک روز به مردم ما آزادی بدهید تا به شما نشان دهند که چه بر سر آخوندها خواهند آورد تا نشان دهند روش تدریجی را می‌خواهند و یا روش انقلابی را؟

پاورقی:

۱- دکتر سامی توسط رژیم در مطب و محل کارش ترور شد و بعدها اعلام کردند قاتل او خودکشی کرده است!
۲- روزنامه خرداد هم در شرف بسته شدن است و مدیر مسئول آن عبد الله نوری را به دادگاه دعوت کرده اند.
۳- شرایط آمریکا برای روابط مجدد با رژیم:
الف - دست برداشتن از صدور تروریسم.
ب - ایجاد نکردن مانع بر سر راه صلح منطقه.

ج - توقف خرید سلاحهای جمعی و هسته ای. که اخیراً آمریکا اعلام کرده به هیچ کدام جامعه عمل نپوشانده. آمریکا اخیراً گفته است که قرار دادن شورای ملی مشاورت در لیست گروههای تروریستی خواست رژیم اسلامی است که ما برآورده کرده ایم!

گزیده هایی از:

اخبار

و

گزارشها

اعتراضات، سرکوب و
اختناق

رادیو فرانسه ۲۴دی؛

آیت اله خلخالی در این مصاحبه (با فیگارو) در پاسخ به سوال روزنامه فیگارو مبنی بر شمار احکام اعدام که در سالهای پس از انقلاب اسلامی صادر کرده است گفت: قطعاً شمار این احکام کمتر از ۱۰۰۰ بوده است.

برخی از آنان به خارج گریخته اند و وی از عدم تنبیه آنان متاسف است.

رادیو رژیم ۲۵دی؛

رئیس شورای عالی امنیت ملی کشور (در دیدار با سران وزارت اطلاعات) ضرورت بسازندگی و نوسازی در سیاستها و راهبردهای این وزارتخانه و همسازنگی اطلاعات با مقتضیات امروز و آینده کشور را یادآور شد و افزود: نیروهای با تجربه و... وزارت اطلاعات باید تامین کننده نیازهای امنیتی امروز و فردای کشور باشد... در این دیدار آقای یونسی وزیر اطلاعات با بیان گزارشی از عملکرد امنیتی وزارت اطلاعات در زمینه کشف و شناسایی توطئه گروههای معاند نظام و خنثی سازی آنها... و برای رسیدن به آن باید از چالشهای مهمی که دشمنان هوشیار و یا دوستان جاهل ایجاد می کنند گذر کرد.

رادیو امریکا ۲۷دی؛

سازمان مجاهدین خلق می گوید: (عوامل) جمهوری اسلامی ایران به یکی از اردوگاههای این گروه در عراق حمله بردند. به گفته مجاهدین در جریان این حمله که دیشب صورت گرفت راکتهایی به اردوگاه آنها در نزدیکی شهر عراقی کوت شلیک شد و سپس مجاهدین دست به تلافی جویی زدند و نیروهای ایران را وادار کردند که با برجا گذاشتن تجهیزاتشان (از منطقه بگریزند). سازمان مجاهدین می گوید در جریان این حمله متحمل هیچ تلفاتی نشده است... .

رادیو آلمان اول بهمن؛

دادگاه ناحیسه ای شهر برلن... روز چهارشنبه گذشته دو روز پیش حمید خرسند را که به اتهام جاسوسی نمودن از اعضای شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق بازداشت شده بود محکوم به ۱۷ ماه زندان به قید ضمانت و پرداخت پول نقد آزاد کرد. ناظران سیاسی براین عقیده اند که اختتام ماجرای هلموت هوفر بازرگان آلمانی ساکن هامبورگ و حمید خرسند مامور وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران در آلمان میتواند راه را برای دیدار در دست برنامه آقای محمد خاتمی. که تا کنون به تعویق افتاده و یا اینکه تاریخ مشخصی ندارد هموار سازد.

رادیو اسرائیل ۵بهمن؛

سازمان مجاهدین خلق ایران امروز از رشته عملیات نظامی تازه ای علیه مراکز اطلاعاتی و امنیتی حکومت در ۳ نقطه استان ایلام خبر داد و اعلام کرد: این عملیات بطور همزمان و به نشانه گرفتن انتقام خون ۳ نفر از مجاهدین بنامهای خزعل زمانی، مصطفی مرادخانی و علیرضا اسلامی انجام شد. این ۳ تن در طول درگیریهای چند هفته اخیر بدست

پاسداران در منطقه ایلام کشته شده بودند... به گفته این سازمان طی دو ماه گذشته نیروهای آن در داخل کشور ۳۳ مرکز نظامی حکومت را در مناطق مختلف هدف قرار داده است... .

رادیو اسرائیل ۵ بهمن؛

سازمانهای پرومیزی از چند مورد دیگر قتلهای سیاسی در ایران خبر دادند. بنابر گزارشها دو شاعر جوان با نامهای رضا ضیائی فر و هادی تقی زاده جمعه شب در خانه خود در تهران بر اثر استنشاق گاز بطرز مشکوکی فوت شدند. هم چنین خبر رسید که یک دانشجوی دانشگاه آزاد سبزوار بنام مهدی خانی پور از سوی گروههای ترور وابسته به رژیم با ضربات چاقو در منزل خود به قتل رسید.

رادیو امریکا ۱۰ بهمن؛

مقامات ایرانی می گویند مانورهای (بی) بیشتر در استان خوزستان و درامداد مرز با عراق انجام خواهد گرفت. این مانورها بمناسبت بیست و یکمین سال انقلاب اسلامی تدارک دیده شده است. مانورها در پی یک رشته حملات کماندوهای مجاهدین خلق گروه مخالف مستقر در عراق انجام می گیرد.

رسانه ها ۱۲ و ۱۱ بهمن؛

به گزارش خبرگزاریها در جریان سفر هیئت اقتصادی ایران به سرپرستی کمال خرازی به دوس سوئیس برای شرکت در مجمع جهانی اقتصاد، شمار زیادی از مخالفان رژیم با سازماندهی مجاهدین خلق ایران، کمال خرازی و کاروان اتومبیل او چندین بار با تخم مرغهای فاسد و رنگی مورد حمله قرار گرفتند. رئیس سرویسهای امنیتی سوئیس اعلام کرد دو نفر از مجاهدین دستگیر شده و دو نفر از افراد پلیس نیز زخمی شدند. سازمان مجاهدین

هم اعلام کرد که یک زن جوان هوادار آن سازمان توسط محافظین خرازی از ناحیه سر زخمی شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه روز گذشته بیش از یکهزار نفر از طرفداران مجاهدین در شهرک کوهستانی داووس گرد آمده و اعضای هیئت رژیم را تروریست و جنایتکار لقب دادند. وزارتخارجہ ایران با احضار سفیر سوئیس در تهران در مورد عدم تدابیر امنیتی مناسب برای حفاظت هیئت ایرانی شکایت و نگرانی خود را ابراز داشت. تلویزیون رژیم نیز یکشنبه اعلام کرد که حسین عادلای معاون وزیر خارجه در اثر پرتاب ماده رنگی توسط مجاهدین، از ناحیه چشم مضروب شده است.

رادیو رژیم ۱۷ بهمن:

...گزارش واحد مرکزی خبر حاکیست این انفجارها (در مرکز تهران) بر اثر شلیک خمپاره بوده است. بر اساس این گزارش یک خمپاره به ستاد نماز جمعه تهران، یک خمپاره به یک چاپخانه و ۴ خمپاره به محوطه مجمع تشخیص مصلحت نظام اصابت کرده است... شبکه الجزیره قطر هم امروز مصاحبه ای را با یکی از عواصل منافقین بعنوان سخنگوی این گروهک پخش کرد که در آن مسئولیت انفجارها از جانب منافقین بعهدہ گرفته شد... . سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان از جامعه جهانی خواست با برخورد جدی با گروهک تروریستی منافقان بعنوان عامل این انفجارها به مسئولیت و تعهد بین المللی خود در مبارزه جامع با پدیده شوم تروریسم عمل کنند.

رادیو رژیم ۱۸ بهمن:

سرلشکر صفوی تاکید کرد اگر جلسو (حمله) منافقان به جمهوری اسلامی گرفته نشود ایران اسلامی و سربازان فداکار

انقلاب و نظام پاسخ قاطعی به نیروهای ضدانقلاب و منافقان خواهند داد... .
رادیو اسرائیل ۱۸ بهمن:

سازمان مجاهدین امروز دوباره تاکید ورزید هدف از عملیات پریشب تهران ضربه زدن به دفتر و اقامتگاه آیت اله خامنه ای رهبر حکومت و نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و در این رابطه خواهان اعزام یک هیئت بین المللی به تهران برای مشاهده نقایض اصابت خمپاره شد...
مجاهدین عملیات پریشب تهران را قیام بزرگ (تهران) نام نهادند. دیروز در حالیکه حکومت اسلامی آخرین مرحله از مانور بزرگ ذوالفقار ولایت ۲ را در مناطق ایلام، صالح آباد و مهران در غرب کشور اجرا می کرد سازمان مجاهدین خلق نیز از عملیات نظامی وسیعی (بنام بهمن بزرگ) علیه نیروهای حکومت در استان کرمانشاهان خبر داد.

رادیو امریکا ۱۸ بهمن:

مجاهدین خلق که پایگاهشان در عراق است اغلب مدعی حمله به هدفهایی در تهران که متعلق به حکام مذهبی ایران است شده اند. دیروز آنها اعلام کردند که به ۱۲ حمله به نیروهای دولتی درغرب ایران دست زده اند. تیمسار صفوی می گوید: اگر حکومت عراق جلو حملات این گروه را به ایران از دخل خاک عراق نگیرد ایران پاسخ دندان شکنی خواهد داد. ضمناً سازمان مجاهدین خلق می گوید: حمله موشکی ایران را به یکی از اردوگاههای مجاهدین در داخل خاک عراق موسوم به اردوگاه انزلی را خنثی کرده اند.

رادیو اسرائیل اول اشفند:

(درحالیکه مقامات رژیم از کشته و مجروح شدن) شمار زیادی از مردم استان خوزستان در ناآرامیهای دو روز گذشته سکوت

کرده اند روزنامه کیهان تهران تأیید کرد که در این خشونت‌های گسترده دست کم ۸ نفر کشته و حداقل ۱۰ تن دیگر زخمی شده‌اند که یکی از کشته شدگان یک دختر ۸ ساله است و دیگر کشته‌ها و زخمی‌ها نیز جوانان و نوجوانان زیر ۲۰ سال بوده‌اند. کیهان نوشت در ناآرامیهای دوروز اخیر در شهر شوش ۵ نفر و از جمله دختر ۸ ساله در اغتشاشات منطقه دشت آزادگان نیز ۳ تن دیگر کشته شده‌اند.

گزارشهای مستقل حاکی از آن است که همه کشته‌ها و زخمی‌ها در استان خوزستان در نتیجه تیراندازیهای نیروهای پاسدار کشته شده‌اند. (تظاهرکنندگان) به ساختمان فرمانداری، چند شعبه بانک و ساختمانهای اداری حمله کردند. همزمان در شهر شادگان خساراتی به ساختمانها و اماکن دولتی و خودروهای متعلق به نیروهای انتظامی و پاسداران وارد شد... مقامات محلی در ساعات بعدازظهر امروز گفتند: اوضاع در شوش، شادگان و ایذه تحت کنترل درآمده است.

مجلس ششم ارتجاع

روزنامه های رژیم ۱۹ دی، نقل از بی بی سی؛

روزنامه های ایران و فتح گزارش می دهند که ۳۰ تن از نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی با تیغ نظارت استصوابی رد صلاحیت شده و از شرکت در انتخابات محروم شده‌اند... به نوشته روزنامه ایران اکثریت نامزدهای شناخته شده جبهه دوم خرداد در تهران و شهرهای بزرگ رد صلاحیت شده‌اند... به گزارش عصر آزادگان صلاحیت حمیدرضا جلایی پور، سید هاشم آقاجری، محسن آرمین، عباس عیدی، ابراهیم یزدی و هاشم صباغیان رد شده است. این فهرست در دیگر روزنامه‌ها دهها

تن دیگر را نیز دربر می گیرد.

رادیو رژیم ۲۵دی:

آقای خاتمی رئیس جمهور در دیدار وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات با تأکید بر نقش مردم در اقتدار، امنیت و ثبات نظام و کشور و با اشاره به برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تصریح کرد هر چه انتخابات با شکوه تر و با حضور بیشتر مردم برگزار شود اقتدار و امنیت کشور بالا می رود.

رادیو بی بی سی ۲۵دی:

در ایران با توجه باینکه کمتر از یکماه به شروع انتخابات مجلس باقی مانده اعلام شده است که بیش از ۷۵۰ نفر از نامزدهای شرکت در این انتخابات رد صلاحیت شده اند بیش از نیمی از این مسوارد تصمیم شورای نگهبان بوده است... فهرست نهایی نامزدهای تأیید شده برای شرکت در انتخابات در هفته دیگر پس از آنکه روند بررسی تقاضاهای تجدید نظر... پایان رسید رسماً منتشر خواهد شد... به نظر می رسد که در این انتخابات ارقام رد صلاحیتها با آن شدتی که خیلی ها نگرانش بودند نبوده است.

رادیو رژیم ۹ بهمن به نقل از شورای نگهبان:

از تعداد ۶۸۵۸ نفر... ۴۰۷ نفر توسط هیئتهای اجرایی و ۳۵۵ نفر توسط هیئتهای نظارت که جمعا ۷۶۲ نفر میشوند به تأیید نرسیده اند... ضروریست تأکید شود که صلاحیت حدود ۲۵ درصد به دلیل وابستگی به گروههای غیرقانونی، حدود ۱۵ درصد بدلیل نداشتن مدرک تحصیلی، حدود ۲۰ درصد بدلیل سوء شهرت و اشتها به فساد، حدود ۱۳ درصد بدلیل وابستگی به رژیم گذشته، حدود ۱۰ درصد محکومین محاکم صالحه و معتادان به مواد مخدر و موارد مشابه، حدود ۱۷

درصد عدم التزام عملی به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی بوده اند که مورد تأیید هیئت های اجرایی و نظارت و سیا شورای نگهبان قرار نگرفته اند.

بی بی سی ۱۱ بهمن:

به گفته فاینانشال تایمز موقعیت آقای خاتمی در پایان بخشیدن به تحریم ایران در تبلیغات انتخاباتی ماه آینده برای اصلاح طلبان مفید خواهد بود. هواداران آقای خاتمی امیدوارند که اکثریت را در مجلس آینده در مقابل مجلس عمدتا محافظه کار کنونی بدست آورند.

از اطلاعیه شماره ۴ شورای نگهبان:

(رادیو رژیم ۱۹ بهمن)... ۲- از تعداد کل ۶۸۵۶ نفر داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی پس از طی مراحل مختلف، در نهایت ۶۰۸۳ نفر واجد شرایط قانونی مرحله ششمین دوره مجلس شورای اسلامی شناخته شد. ضمن آنکه ۱۹۷ نفر نیز در مراحل مختلف بررسی انصراف خود را بدستگاههای مسئول اعلام کرده اند و ۵۷۶ نفر با استناد به قوانین موجود واجد شرایط نامزدی مجلس شورای اسلامی شناخته نشدند.

رادیو رژیم ۲۰ بهمن:

تبلیغات داوطلبان ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از امروز آغاز شده است و براساس قانون تبلیغات تا صبح روز پنجشنبه ۲۸ (بهمن) ادامه خواهد داشت.

خامنه ای رادیو رژیم ۲۵ بهمن:

... هرکس به نظام اسلامی علاقه دارد در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هرکسی که به سریندگی نظام جمهوری اسلامی علاقه ای دارد در این انتخابات شرکت خواهد کرد... در واقع طرفداری خودشون را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهند داد.

رادیو اسرائیل ۲۶ بهمن:

رئیس جمهوری ایالات متحده گفت: خود وی با علاقه فراوان رویدادهای سیاسی جاری در ایران را در رابطه با انتخابات مجلس دنبال می کند و ابراز امیدواری کرد که موقعیت اصلاح طلبان در انتخابات به این خاطر که از برقراری روابط سیاسی با امریکا حمایت میکنند تضعیف نشود.

جمزرویین سخنگوی وزارت خارجه امریکا انتخابات ایران را آزاد و منصفانه در چهارچوب ملاک و معیارهای جمهوری اسلامی توصیف کرد.

رادیو فرانسه ۲۶ بهمن:

(روزنامه کیهان) در ستون جهت اطلاع خود گزارش داده است این مراسم که از سوی کاندیدای جبهه دوم خرداد و جبهه مشارکت (دریندر عباس) ترتیب داده شده بود به درگیری میان شرکت کنندگان انجامید و جوانی بنام علیرضا دهقانی با ضربات چاقو به قتل رسید.

رادیو اسرائیل ۳۰ بهمن:

خانم آلبرایت انتخابات را موجب تقویت دموکراسی در ایران توصیف کرد و گفت ایالات متحده البته از این امر استقبال می کند.

رادیو فرانسه ۳۰ بهمن:

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه آیت اله خامنه ای رهبر حکومت اسلامی ایران امروز طی سخنانی از شرکت گسترده مردم در انتخابات تجلیل کرد و اظهار داشت که مردم ایران با شرکت وسیع خود در انتخابات مجلس از رژیم اسلام دربرابر مردم جهان دفاع کرده است.

رادیو فرانسه اول اسفند:

در کازرون در استان فارس نیز هواداران کاندیدای شکست خورده در انتخابات به خیابانها ریختند و ضمن تیراندازی چند

زندان قزلحصار

آفاق

دور یک صف بلند که در انتظار نام نویسی برای ملاقات بود در کنار زندان به چشم می خورد. در قسمت مقابل زندان که به مزارع کشاورزی منتهی می شد چند بوته آتش برافروخته بود. اطراف هر بوته آتش صدها نفر حلقه زده بودند. من به طرف بوته های آتش رفتم و پدر و مادرم برای گرفتن وقت ملاقات در صف انتظار.

در کنار بوته های آتش درد دلها زیاد بود. هر کس که کمی جرات داشت با نفرین و ناسزا گویی به خمینی شرح رنج دوری و جدایی و مضار ناشی از دستگیری زندانش را تعریف می کرد و اینکه زندانی از چه موقعیت هوشی و تحصیلی برخوردار بود سخن می گفت.

خانمی تعریف می کرد که چهار فرزندم خیلی کوچک بودند که شوهر کارگرم در اثر حادثه ای از دنیا رفت. من از راه رختشویی بچه هایم را بزرگ کرده و به مدرسه فرستادم. خیلی از شبها بچه هایم سر بی شام زمین می گذاشتند ولی قانع بودند و موقعیت مان را خوب درک میکردند. گاهی وقتها پسر من که حالا در اوین است می گفت: من حالا خوب درس می خوانم که وقتی بزرگ شدم یک راهی پیدا کنم که دیگر اگر بچه ای پدر نداشت مثل ما مجبور نباشد بی خانه و بی غذا باشد و مادرش از صبح تا شام برود برای مردم کار کند ولی به او پول کافی ندهند. با بزرگ شدن بچه هایم خوشحال بودم و فکر می کردم که دیگر دوران رنج من به پایان رسیده و بچه هایم هر کدام کسی می شوند و من از رختشویی نجات پیدا می کنم. ولی حالا باید هرروز برای ملاقات یکی از آنها به زندان قزلحصار و برای دیگری به اوین بروم. به خدا بچه هایم خیلی خوب بودند هر کس مرا می شناخت می گفت آفرین بر تو که دست تنها بچه های خوبی تربیت کرده ای.

بقیه در صفحه ۱۶

در این مینی بوس، دیگر همه خانواده های زندانیان بودند. وقتی به آخر خط که به زندان قزلحصار منتهی میشد رسیدیم، دیدم همه ایستادند و آخ می کردند. سر کشیدم ببینم چه خبر است. چشمم به آثار باقیمانده از تصادفی افتاد که گویی تازه مصلومین آن را از صحنه خارج کرده بودند. کیف و کفش زنانه و کلاه و کفش مردانه که هر کدام به طرفی پرتاب شده بودند خبر از کشته و یا زخمی شدن پدر و مادری میداد که به دیدار جگر گوشه خود آمده بودند.

قزلحصار زندان بسیار بزرگی است در بیابانهای کرج. در آن زمان در قسمت اول آن زندانیان عبادی و در قسمت آخر آن زندانیان سیاسی نگهداری می شوند و برای رسیدن به قسمت زندانیان سیاسی حدود پانزده دقیقه باید پیاده روی می کردیم.

سوز و سرمای شدید همراه با دانه های برف که به صورت می خورد تاب تحمل را از من گرفته بود. تازه وقتی فکر می کردم که چند ساعت باید در این سوز و سرما در انتظار نوبت ملاقات بمانیم بیشتر احساس سرما می کردم.

نگاهی به پدرم کردم که آن روزها در اثر مشکل سلامتی که پیدا کرده بود، کنترل ادرارش به هم خورده بود. با خود فکر کردم اگر حالا که خیلی هم خسته هست خودش را خیس کند حتما از سوز سرما مریض می شود.

در قسمت جلوی قزلحصار زمین های کشاورزی و محوطه خاکی بیلون سرپناه و سرپوش بسود که خانواده ها در آنجا می ایستادند تا نوبت ملاقاتشان برسد. از

وقتی از اتوبوس پیاده شدم از سوز سردی که به صورتم می خورد به سختی می توانستم چشمم را باز نگهدارم.

چادرم را دور پسرم پیچاندم تا از سردی هوا کمتر اذیت شود. از دور پدر و مادرم را دیدم که در پیاده روی خیابانی که ایستگاه ماشین های کرج بود خود را از سرما جمع کرده و دست هایشان را جلو دهانشان گرفته بودند. چشمان خسته آنها در انتظار دیدن ما بود. قدمهایم را تند تر کردم تا هر چه زود تر به ایستگاه برسم.

قرار ما این بود که اگر آنها تعقیب نمی شوند به طرف من بیایند و با من حرف بزنند. ولی اگر مطمئن نیستند خودشان به تنهایی به ملاقات برادرم بروند. چهره های رنگ پریده و خسته و چشمان گود رفته آنها پس از هشت ساعت در اتوبوس نشستن، بیخوابی شب تا صبح و کار سخت روزانه و سرمای طاقت فرسا آنچنان می نمود که گویی تاب و توان از جا بلند شدن را ندارند. ولی آنها به محض دیدن ما با شوق از جا بلند شده ما را در آغوش گرفتند، و با هم به صف مینی بوس های کرج رفتیم. در هر چند دقیقه یک مینی بوس پر از مسافر میشد که تقریباً همه آنها کسانی بودند که برای ملاقات فرزندان خود به قزلحصار می رفتند. تا حد زیادی همدیگر را می شناختند و یا حداقل با یکدیگر سلام و احوالپرسی می کردند. ما هم مشغول گفتگو بودیم که به کرج رسیدیم و می بایست از آنجا سوار مینی بوس های قزلحصار می شدیم.

غمی غمناک

﴿ هیما ﴾

گرفتن اطرافم دوباره سوار مینی بوسی شده و در میدان امام حسین پیاده و به منزل یکی از آشنایان در خیابان ۱۷ شهریور رفتم.

اکنون ساعت تقریباً ۷ شب بود در آن روزهای پاییز روزها کوتاه تر می شد و هوا تقریباً تاریک شده بود.

دررا که زدم آشنایان در را باز کرد. بعد از سلام و احوالپرسی و رعایت آداب و رسوم متداول و طرح مسائل سیاسی و اوضاع و احوال جاری، از من پرسید تا کی قصد دارم به این وضعیت درسدی ادامه دهم؟ با لبخندی از زیر جواب دادن شانه خالی کردم و صحبت را عوض کردم. هنگام خوردن شام سکوت بر فضا حاکم بود. گویا وجود من در آن میان سنگینی می کرد. از طرفی سعی می کردم شرایط رعب وحشت آن زمان را درک کنم و بفهمم چرا صاحبخانه با وجود من در خانه اش احساس خطر می کند. از طرف دیگر فکر میکردم مانیز برای این خلق خدا جان خود را به خطر می اندازیم و تحمل این درسدی ها را می کنیم. چرا باید اینطور برخورد کنند.

آن شب هر طور شده با فضای سنگینی که حکمفرما بود گذشت. صبح زود بعد از خداحافظی و رویوسی آنجا را ترک کردم. این آخرین بار بود. با وجود همه حق به جانبی که به خود میدادم ولی برخورد ها جوری بود که بیش از این نمی توانستم از آن امکان استفاده کنم.

روز را سوار اتویوس شدم و همانند روزهای پیش در فکر این بودم که چگونه

سلام کرد. گویا در صف اتویوس مرا دیده بود و بعد مرا صدا کرده و به دنبالم آمده بود. آنچنان در وحشت بودم که متوجه نشده و فکر می کردم که ماهرانه از دستش خود را نجات داده ام. وحشت عچیسی داشتم. با دیدن غم عظیم در چهره اش مردد بودم که چه عکس العملی نشان دهم. یا به فرار بگذارم، بی محل از کنارش رد شوم، و یا دل به در یا زده و سر صحبت را با او باز کنم.

در این خیال ها غوطه ور بودم که ناخود آگاه پاسخ سلام او را داده و احوالپرسی کردم. او که متوجه دستپاچگی و وحشت من شده بود سعی می کرد با لحنی دوستانه بگوید که خوشحال است مرا دیده و لزومی نیست که وحشت کنم. حدود یکسال می شد که ندیده بودم. در آن شرایط سخت دیدن چهره ای آشنا می توانست آرامش بخش نیز باشد ولی با سوال هایی که روی دیدگاه های او بود اعتماد کردن به سادگی امکان پذیر نبود. می گفت که در همان نزدیکی زندگی می کند و بدلیل نداشتن کار، یک دست فروشی در آن حوالی دارد. با دیدن سرو وضع بهم ریخته من حتما متوجه آن شد که در خیابان ها سرگردان هستم. مرا به خانه خود به صرف نوشیدن چای دعوت کرد. گفتم که عجله دارم و با تشکر و گرفتن آدرش از او خداحافظی کردم. در حالیکه شک داشتم، با سوار شدن به مینی بوس به میدان انقلاب رفتم و از آنجا بعد از کمی چرخش و خوردن یک سانلویج و زیر نظر

سه هفته میشد که افراد تیممان دستگیر شده بودند و من که بطور اتفاقی آن روز در خانه نبودم، قصر در رفته بودم. خانه هایی که میتوانستم پناه ببرم همه سوخته بودند: رابطه ام قطع شده بود و روزها را توی اتویوس ها یا کتابخانه مساجد می گذراندم و شبها گاهی اوقات به خانه بستگان پناه می گرفتم.

آن روز که یکی از روزهای بارانی پاییز ۶۰ بود، در میدان امام حسین منتظر اتویوس بودم، تا به خانه یکی از آشنایان در میدان شوش بروم. همانطور که ناشیانه چادرمشکی بر سر داشتم، غرق در افکار خود بودم و به روزهای خوشی می اندیشیدم که در کنار دانشگاه و پشت میزهای کتاب مشغول بحث و یا گفتگو با دوستان و یا رهگذران بودیم تا حقانیت سازمان سیاسی خود را با دلایل مختلف به اثبات برسانیم.

در همین افکار غوطه ور بودم که صدای آشنایی توجه مرا به خود جلب کرد. صدای امیر یکی از دوستان قدیمی ام بود، که شنیده بودم بعد از انشعاب سازمان چریکهای فدایی خلق همراه دیگر اعضای بخش فعال خود اکثریتی شده است. تصمیم گرفتم قبل از اینکه او مرا ببیند، محل را ترک کنم. میدان را دوری زدم و سعی می کردم در شلوغی جمعیت خود را پنهان کنم. جرات سر برگرداندن نداشتم، در حالیکه سعی می کردم رویم را کیپ بگیرم یکدفعه امیر را جلوی روی خود دیدم.

با وحشت به او نگاه کردم چند ثانیه ای سکوت بین ما برقرار بود سکوت راشکسته،

میتوانم با دوستانم ارتباط برقرار کنم. و طول روز را چگونه سر کنم و شب را کجا سپری کنم. در آن روزهای زندگی مخفی اعتماد به هر کس سخت بود، بدتر از همه سریل من هم دستگیر شده بود و من امکان هر گونه ارتباطی را از دست داده بودم.

در همین افکار بودم که بیساده امیر اقدام. تصمیم گرفتم شب را به خانه او بروم. ریسک بزرگی بسود ولی در خیابان ماندن هم خطرناک و غیر ممکن بود.

ساعت ۶ بعد از ظهر بعد از زدن ضد تعقیب و بررسی اوضاع محل در خانه را زدم. زنی باصورت رنجیده و تکییده در را برویم باز کرد، سراغ امیر را گرفتم، در خانه نبود. او مرا به خانه دعوت کرد و خود را مادر امیر معرفی کرد. کنجکاوای کرد که من از کجا پرسش را می شناسم، سعی کردم با لحنی دوستانه و دادن جواب های ساختگی بگونه ای جواب او را بدهم.

بعد از گذشت یکساعت در خانه به صدا در آمد، امیر وارد شد او با دیدن من لبخندی مهربانانه کرد و خوشامد گفت. مرا به مادرش معرفی کرد و گفت خواهر یکی از دوستانش هستم که از شهرستان می آیم، به علتی که مادرم مریض است و در بیمارستان، مدتی را پیش آنها می مانم.

چشمانم از تعجب باز مانده بود، با حالت لکننت زبان شروع کردم داستان مریضی مادرم را بلغور کردن و تحویل مادرش دادم. بر این اساس اعتماد نسبت به امیر کمی بیشتر شد و دلشوره ام کمتر. مادر مهربانش هم از من خواست آنجا را مثل خانه خودم بدانم.

آن شب در کارهای خانه به مادر امیر کمک کردم و او نیز در حین کار از بدبختی ها و دردهای زندگی برایم گفت. چقدر بی

ریا و مهربان بود. یاد خاله ام می افتادم که ماه ها بود او را ندیده بودم.

در مدت دو هفته ای که شب ها را آنجا میگذراندم، امیر هیچ سوالی در مورد وضعیت سیاسی و فعالیتیم نکرد، فقط از خاطرات گذشته صحبت می کرد و اینکه چقدر دلش برای آن روزها تنگ شده است. با یادآوری این خاطرات، غم سنگینی در حرفها و چهره اش دیده می شد. آخرین روزی که امیر و مادرش را دیدم روزی بود که از خانه بیرون آمدم و تصمیم گرفتم دوباره به شماره تلفنی که داشتم زنگ بزنم که در آن حال بوسیله یک اکیپ گشت اوین شناسایی و دستگیر شدم.

اینکه در مدت ۵ سالی که در زندان ماندم به من و دیگر هم بندیایم چه گذشت، حکایتی است که در این کلمات و صفحات قابل بیان نیست و شاید زمانی جرات کرده و آن را به قلم بیاورم. بعد از گذشت سالها با تغییرات درون زندان علیرغم انتظارم خیلی ناگهانی آزاد شدم.

دو ماهی می شد که از زندان اوین آزاد شده و در زندان بزرگتری سرگردان و حیران سعی می کردم فضای رکود و خموش بیرون از اوین را برای خود به شکلی تجزیه و تحلیل کنم. در این حال و احوال به خانواده های هم بندی ام سر میزدم و به دیدار آشنایان و بستگانی که در شرایط سخت به من کمک کرده بودند، می رفتم. همه آنها با احترام خاصی با من صحبت می کردند و درباره بدبختی های چند سال گذشته جامعه درد و دل می کردند. در یکی از این روزها تصمیم گرفتم به خانه امیر سری بزنم و حال و احوال مادرش را ببینم.

با تردید از اینکه او در چه حال و وضعی است، در زدم. مادرش که تکییده و خمیده تر شده بود، با دیدن من اشکش سرازیر شد و

مرا بغل کرد و شروع به بوییدن نمود. داخل رفتم و سعی کردم او را ساکت کنم. سراسر اتاق از عکس امیر پر شده بود بغض گلویم را گرفت به مادرش نگاه معنی داری کردم و پرسیدم امیر کجاست؟

برادر امیر که در حال حاضر همراه با همسرش نزد مادرش زندگی میکرد، سعی کرد مادرش را که اکنون به شدت می گریست، ساکت کند. سپس رو به من کرد و گفت: ۳ سالی میشود که امیر دیگر در میان مانیست. جرات سوال کردن را نداشتم! مات و مبهوت به آنها نگاه میکردم.

مادرش اشکان صورتش را پاک کرد و بعد از بوسیدن من به سمت اتاقی رفت و بعد از گذشت چند دقیقه ای نزد ما برگشت. نوشته ای را بدستم داد و گفت: "بخوان". با خواندن اولین کلمات آن، اشک از چشمانم سرازیر شد.

"با عرض معذرت از مادرم، برادرانم و خواهرم، تحمل بار خیانت های سازمان، حزب و رهبران آنها برایم امکان پذیر نیست. ما به مردم خیانت کردیم. وای بر من که دیر متوجه آن شدم. امیدوارم که روزی مورد بخشش شما و مردم قرار بگیرم..."

نوشته ادامه پیدا نکرده بود، گویا در لحظات آخر توانایی قلم بدست گرفتن را از دست داده بود.

حال من و مادر، هر دو، حق و حق می گریستیم. او مرا میبویید و می گفت به یاد امیر می افتد و اینکه شب ها و روزها بعد از باز نگشتن من به خانه چقدر بی تاب بود و فکر می کرد که دستگیر و اعدام شده ام.

برادرش برایم توضیح داد که امیر بعد از ۳ بار دستگیری کوتاه در کمیته مرکزی بکلی منقلب شده بود. بعد از

حدود دو بعد از ظهر بود ولی هنوز نوبت ملاقات پدر و مادر من نشده بود. من با اینکه کنار آتش ایستاده بودم ولی از سرما انگشتان پایم می سوخت.

برای اینکه کمی گرم شوم و از نان های خوبی که آنجا می پختند بخرم به نانوايي رفتم. وقتی از نانوايي با بيست دانه نان تازه و گرم برگشتم يکي از مادرها گفت نان ها ياش خيلي خوب است. من هميشه فکر مي کردم به زندانيان هم از همين نان ها مي دهند.

يکروز که نان خريده بودم به پسرم گفتم من هر وقت ملاقات تو مي آيم از همين جا نان ميخرم و خوشحالم که نان به اين خوبی به شما مي دهند. پسرم با تعجب نگاهی به من کرد و گفت روز ديگر که به ملاقاتم مي آيي نان هايي را که به ما مي دهند به تو نشان ميدهم. مسا از زور گرسنگي آن نسان ها را مي خوريم. آن خانم گفت اين نانوايي توسط زندانيان عادي که دوره ندامتشان را ميگذرانند و رژيم مي داند خطرناک نيستند. مثل کسانی که تصادف کرده اند اداره مي شود و سودش هم به جيب مسنولين زندان مي رود. وضعيت زمين هاي کشاورزي اطراف زندان هم همينطور بود. اين زندانيان بيچاره به اين دلخوش هستند که به وسيله بيگاري دادن مي توانند از محيط زندان خارج شوند.

ديگران را هم غم هست به دل،
غم من، ليک، غمي غمناک است.
❦❦❦❦❦

بقیه " زندان قضا حصار " از صفحه ۱۳
خانم ديگري از ديگر مآدران مي پرسيد اتاقي با اجاره ارزان سراغ نداريد؟ او مي گفت حالا دو هفته است که او و دو فرزندش شبها در خانه اين دوست و آن دوست و يا فاميل مي خوابند. چون پسر صاحبخانه به او گفته است يسا بايد اجاره خانه را زياد کني يسا بايد بگذاري من با تو رابطه جنسي داشته باشم. ميدانم اگر شوهرم در زندان اين را بفهمد از غصه مي ميرد.

خانم ديگري که با دو نوه اش براي ملاقات عروس و پسرش آمده بود ميگفت پسرم طبقه دوم خانه اش را به يک زن و شوهر اجاره داده بود آنها آدمهاي بسيار خوسي بودند يکروز پاسدارها به خانه ريختند و آنها را بردند. عروس و پسر مرا هم به جرم اينکه به آنها بدون اجازه کميته خانه اجاره داده بودند دستگير کردند. از وقتيکه عروس و پسر را دستگير کرده اند، اين دو فرزندشان نصف شده اند و هميشه مريض هستند. خودم هم هر کجا مي روم به من جواب سر بالا مي دهند امروز وقتی ناصري با بنز ضد گلوله اش آمد سعی کردم جلوي ماشين او بایستم تا شايد بتوانم جوابي از او بگيرم. ولي او و پاسدارانش طوري بر خورد مي کنند که انگار ماها آدم نيستيم و يا پدر و مادرشان را کشته ايم.

شنيدن صدا هاي شکنجه و فرياد هاي زنان و مردان در روزهاي اول در حالت نا باوري بسر مي برد و در همين روزها بود که در کنجي از خانه مي نشست و گاهي زار زنان فرياد مي زد ما به مردم خيانت کرديم و بعد از شنيدن مصاحبه رهبران حزب ديوانه وار صفحه تلويزيون را شکسته بود.

بعد از آن گوشه نشين شده بود. برادرش براي تعريف که در آن شرايط امکان تماس با هر سازمان و حتي فرد متعهد و روشنفکر وجود نداشت و اين مسئله امير را هر روز گوشه نشين تر مي کرد و در نهايت در يک شب زمستاني سال ۶۲ با خوردن داروي نا معلوم به زندگي خود خاتمه ميدهد.

برای من که سالها را در تنگنا هاي زندان با افراد و تفکرات مختلف برخورد داشتم، درک چنين حادثه اي مشکل نبود. امير تسليم در برابر ننگ را نپذيرفته بود و در آن شرايط تنهائي راه ديگري بجز آن نيافته بود.

از آنروز به بعد امير در قلب من بعنوان شهيدی گمنام ثبت شد و هر سال در اين ماهها به ياد او شمعي روشن مي کنم و بياد او و انگيزه هايش که در يک شرايط بهتر بدون شک بارور مي شد، شعري را زير لب زمزمه ميکنم که يکي از هم بندي هايي بعد از خودکشي يکي از مادران هم سلولمان خوانده بود:

... نيست رنگي که بگويد يا من

اندهکي صبر، سحر نزديک است.

هردم اين يانگ بر آرم از دل:

واي، اين شب چقدر تاريک است.

... مثل اين است که شب نمناک است

احزاب درون رژیم و فیگورهای دموکراتیک بعنوان اپوزیسیون خودی ها

عباس - ریشه

(قسمت اول احزاب)

مقدمه:

یهمین ماه ۱۳۷۸ انتخابات مجلس ششم رژیم جمهوری اسلامی ایران است. مدتیست گروههای داخل رژیم (خودی های رژیم) به هر نحوی برای کسب قدرت از هر وسیله ای استفاده می کنند تا مجلس ششم را همچون انتخابات گذشته مال خود کنند. در این میان رفسنجانی این سردار ویران کننده ایران بعد از شاید و بایدهای بسیار قصد دارد در انتخابات مجلس ششم شرکت کند به همین خاطر جمعه گذشته هم از تریبون نماز جمعه رژیم استفاده کرد و با مطرح کردن خود بعنوان سردار سازندگی! با ساختن ۶۰ عدد سد (سوراخ) و ۷۰ سد در دست اقدام و ۸۰ سد دیگر در پروژه های آینده دولت همه را خائن و بی انصاف و... نامید. ولی همه می دانند که دیگر حنای رفسنجانی ها به همراه خامنه ای و اعوان و انصارشان که کوداندگان اصلی رژیم کنونی هستند نزد مردم ما رنگی ندارد و گروههای وابسته به اینها دست و پاهای آخر خود را در سرازیری سرکونی می زنند! به همین دلیل برآن شدیم تا گروهها و جناحهای داخل رژیم را طی دو یا سه قسمت تحلیل کنیم در قسمت اول این تحلیل به جناحها و احزاب و گروههای قدرت رژیم می پردازیم و در قسمت دوم و یا شاید سوم به روزنامه های رژیم خواهیم پرداخت.

کردند ولی در میان مردم خصوصا تحصیل کرده های جامعه نه تنها اثری مثبت نداشت که برعکس!! و این اقدام در جهت تک حزبی بود.

تا سال ۱۳۶۰ که مجاهدین بیشترین طرفداران را در میان جوانان شهری و حتی روستایی داشت رژیم که احساس خطر کرده بود به برخوردی براندازی برعلیه سایر گروههای غیر خودی روی آورد و در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به راهپیمایی نیم میلیونی مجاهدین حمله کرد و بقول خود رژیم کار را یکسر کرده و از آن تاریخ، اوضاع ایران طوری دیگر شد. و دیدیم که رژیم گستاخ هرآنچه را که در توان داشت برعلیه گروهها و سازمانهای غیرخودی روکرد. و نتیجه اش صدهزار اعدامی و دهها هزار زندانی از این گروههای سیاسی برجای گذاشت. از این تاریخ به بعد رژیم حتی به ملی مذهبی ها و ملی ها هم رحم نکرده آنها را به گوشه ای زده و با سرکوب مطلق به راه خود ادامه داده است رژیم تا جایی پیش می رود که رئیس جمهور وقت بنی صدر هم که تفکرات ملی-مذهبی داشت را در نیمه راه عزل کرده تا اینکه او هم فرار را برقرار ترجیح میدهد و از ایران خارج میشود. در این هنگام رژیم دست به دستگیری رهبران و اعضای احزاب و گروههای مذهبی و غیرمذهبی می زند و از گروههای سیاسی می خواهد که خود را تسلیم رژیم جنایتکاری همچون جمهوری اسلامی کنند

آزادی که قبل از انقلاب هم وجود داشته اند و گروههای جنبش مسلمانان مبارز، جاما، جنبش (حاج سید جوادی) تا چند ماه به فعالیتهای خود آزادانه ادامه دادند و گروههایی مثل فرقان، آرمان مستضعفین، موحدین انقلابی و... هم بعد از انقلاب تشکیل شد که گروه فرقان با ترورهای محمد مفتاح و مرتضی مطهری و... نه تنها تمامی کادرهای خود را از دست می دهد بلکه اوضاع را به نفع رژیم می چرخاند. از همان ابتدای انقلاب، آخوندهایی مثل بهشتی، رفسنجانی و خامنه ای حزب رستاخیز رژیم (حزب جمهوری اسلامی) را تشکیل دادند و در سراسر کشور خصوصا در میان دانشجویان فرمهای عضویت پخش می کردند و در این رابطه پولهای گزافی خرج

مسئله ای که در جناجبندی و گروه سازی و سازمان پردازی رژیم به وضوح به چشم می خورد، صحبت گروههای «خودی و غیرخودی» است که منظور از «خودی» یعنی خودیهای رژیم و تمامی گروههای وابسته در مسیر خود است و «غیرخودی» هم مردمند که در جریان انقلاب به کنار گذاشته شده اند. در این میان اثری از گروههای ملی-مذهبی ها و گروههای ملی و... نیست! چون در رژیم ملاتاریستی هیچ گروهی حق اظهار نظر نداشته و ندارد. چون تمامی قضاوتها براساس اسلام ارتجاعی رژیم صورت می گیرد.

از اولین روزهای انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ گروههایی مثل مجاهدین، فدایی ها (جریکهای فدایی)، حزب توده و نهضت

یزدی، خسرو شاهی، محمد علی موحدی کرمانی، محسن مجتهد شبستری، محمد امامی کاشانی، حسن روحانی، عباسعلی عمید زنجانی و...

تشکل های هم جهت با جامعه روحانیت مبارز:

۱- هیئت مولفه اسلامی. چهره های مهم آنبا: عسکراولادی مسلمان و بادامچیان که از سرمایه داران بازارند و نبض اقتصادی کشور را این هیئت خبیت در دست دارد.

۲- جامعه اسلامی مهندسان: دبیرکل این جامعه حسن غفوری فرد و افراد مهم دیگر آن مرتضی نبوی و محمد رضا باهنر است.

۳- انجمنهای اسلامی اصناف بازار تهران: از چهره های معروفشان می توان سعید امائی و عسکراولادی را نام برد.

۴- جامعه اسلامی دانشگاهیان: افراد شاخص این دسته دکتر جاسبی رئیس دانشگاه آزاد، هاشمی گلپایگانی، عباسپور.

۵- جامعه زینب: دبیرکل این جامعه مریم بهروزی است (نماینده مجلس)

۶- انجمن اسلامی پزشکان

۷- جامعه اسلامی دانشجویان

۸- جامعه اسلامی فرهنگیان

۹- جامعه وعاظ تهران

۱۰- کانون اسلامی فارغ التحصیلان شبه قاره هند...

ب- مجمع روحانیون مبارز و گروههای هم جهت:

این مجمع همانطور که گفتیم سال ۶۷ در آستانه انتخابات مجلس سوم از جامعه روحانیت مبارز انشعاب کرد که در راس آنها مهدی کروی قرار دارد. گروههای زیر در این مسیرند:

قواعد دموکراتیک انجام می گیرد و کلا دموکراسی در کشور حاکم است.

در حالیکه همه میدانیم که رژیم تحمیل کوچکترین انتقادی را از غیر خودیها (مردم) ندارد. نمونه اش حرکت دانشجویان در تیرماه ۷۸ بر علیه رژیم بود که دیدیم تمامی فعالان حرکت های دانشجویی را دستگیر و به زندان انداخته اند و احزاب و سازمانهای ملی گرا و ملی - مذهبی ها را زیر شدیدترین فشارها قرار داده اند و سری قتلهای زنجیره ای نمونه کوچک آن است. (دستگیری بقایای حزب ملت نمونه بارزش است)

گروهها و سازمانها و احزاب

درون رژیم

گروهها و سازمانهایی که همگی در سالهای اخیر در ایران تشکیل شده اند وابستگی مطلق به رژیم دارند که موسسین گروهها، سازمانها و احزاب غالبا عبارتند از روحانیون، وزراء، نمایندگان مجلس و نیز کارگزاران حکومت و یا وابستگان آنها، در ترکیب این موسسین هیچ یک از گروههایی که در ابتدا نام بردیم حتی از ملی- مذهبی ها و یا از مردم کوچه و بازار یعنی اکثریت مردم ایران (غیر خودیها) دیده نمیشوند.

گروهها و احزاب درون رژیم عمدتا زیر چتر دو جناح از نیروهای خودی وجود دارند که عبارتند از جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز (که دومی جدا شده از اولی است).

الف- جامعه روحانیت مبارز و تشکل

های تحت کنترل آنها^(۲)

جامعه روحانیت مبارز در اوایل ۵۷ تشکیل شد مهمترین اعضای مرکزی آنها که همگی آخوند می باشند عبارتند از: محمد رضا مهدوی کنی، اکبر هاشمی رفسنجانی، علی اکبر ناطق نوری، محمد

بطوریکه حزب توده از تمامی اعضا و هواداران خود میخواهد که تسلیم رژیم شوند و رهبران این حزب هم با تمامی تشکیلاتشان خود را تسلیم می کنند.^(۱)

حزب سازی در درون رژیم

روشی نوین برای فریب مردم

بعد از حاکم شدن اختناق مطلق در ایران و پس از ناکامی های بسیار در زمینه های مختلف خصوصا سیاست خارجی و محکومیت های پی در پی در جوامع بین المللی رژیم از مواضع خود کمی عدول کرده و در پی آن هستند که همزمان با اصلاح چهره خارجی خود با ایجاد احزاب دولتی

بویژه در آستانه انتخابات مجلس ششم به خارجیان وانمود کنند که در ایران امور کشور به ویژه انتخابات بر پایه قواعد دموکراتیک انجام می گیرد. رژیم می خواهد چنین وانمود کند که از اسلام پرخاشگر و بنیادگرا از نوع طالبانی اش به دور است و بخاطر همین هم گهگاهی میخواهد مواضع خود را ملایم تر نشان دهد تا هم اوضاع داخلی را آرام کند و از طرفی دومی هم برای غرب تکان داده باشد.

بنیادگرایان افغانستان نه تنها امنیت تمامی منطقه و امنیت کشورهای بزرگی مثل روسیه، جمهوری خلق چین و هندوستان را تهدید می کنند بلکه خطر بزرگی برای منافع غرب به ویژه امریکا و هم پیمانان او در منطقه محسوب می شوند. به همین خاطر گردانندگان رژیم منفور قصد دارند با ایجاد حزبهای دولتی بازی را در دست خودی ها نگاه داشته و در این میان اپوزیسیون ظاهری حکومت را نیز از میان خودی ها بوجود آورند (چون غیر خودیها در میان آنها وجود ندارد) و با این ترفند به جهانیان ثابت کنند در کشور، اپوزیسیون حکومتی وجود دارد و امور سیاسی کشور با پیروی از

بدین ترتیب ملاحظه می کنید گروههایی که اجازه فعالیت آزادانه دارند از دو حزب آخوندی «جامعه» و مجمع روحانیون مبارز و گروههای اقمارشان، همه از داخل رژیم و زیر چتر این دو تشکیلات آخوندی می باشند. با نگاهی گذرا متوجه می شویم که غیر از حزب جمهور اسلامی (که منحل شد) و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بقیه در طول همین چند ساله مثل قارچ از زمین سبز شده اند که در رأس تمامی این احزاب و گروهها، حزب کارگزاران سازندگی، حزب مشارکت اسلامی و حزب اخیر و... عناصر حکومتی قرار دارند و وابسته به یکی از محافل «خودی» است.

از طرفی وزارت اطلاعات رژیم سعی بر آن دارد که از افراد مذهبی و ملی مذهبی های رانده شده، گروهی و یا جریاناتی را تشکیل دهد. از خبرهایی که میرسد چنین تلاشی در دست اقدام است که با پذیرش تقاضای این افراد از سوی کمیسیون ماده ده احزاب ممکن است به زودی در صحنه سیاسی کشور ظاهر شوند. درواقع این احزاب همچون تشکیلات یک آکادمی و باشگاه ورزشی برای حفظ نظام عمل می کنند. حق عضویت و کارت عضویت هم دارند احتمالا کلاسهای آموزشی و غیره را یدک می کشند. ولی هیچکدام، معنا و مفهوم حزب و تشکیلات را نمی دانند چون همه این احزاب برای حفظ نظام تشکیل شده اند. در همین رابطه بد نیست بدانید خاتمی هم گفته است که حد و تعریف ما از آزادی حفظ نظام جمهوری اسلامی است!! و مسلما کسانی حق فعالیت دارند که در چارچوب این گروهها عمل کنند. این احزاب همه «خودی» هستند و در میان اینها از مردم و روشنفکران خبری نیست. تشکیل این احزاب تماما جنبه نمایشی دارد. کشاندن مردم به

حزب کارگزاران سازندگی: این حزب در سال ۱۳۷۴ اعلام موجودیت کرد و در سال جاری موفق به دریافت مجوز فعالیت از کمیسیون ماده ده احزاب در وزارت کشور گردید. اعضای این حزب عبارتند از: غلامحسین کرباسچی (دبیرکل) سید حسین مرعشی (قائم مقام دبیرکل)، محسن نوربخش، عطاءاله میساجرانی، محمد هاشمی، فائزه هاشمی، علی هاشمی (هزار فامیل)، مصطفی هاشمی طبا، رضا امرالهی و... روزنامه همشهری و هفته نامه بهمین در ایران وابسته به این گروه است.

حزب سبزا (گروه به اصطلاح مستقل مجلس): بعنوان زیر نام حزب سبز فعالیتهايشان را شروع کردند. از افراد شناخته شده آنها می توان امیدوار رضایی و مداحی را نام برد.

انصار حزب الله (مسعود ده نمکی و هفته نامه جبهه).

هرکسی از خانه اش قهر کرده در درون رژیم حزب ساخته است! در روزهای گذشته حزبی جدیدالتاسیس بنام «حزب اعتدال و توسعه» اعلام موجودیت کرده است. این تشکل خود را میانه رو می داند با تجمع تعدادی از نمایندگان پیشین و کنونی، وزیران سابق و برخی از اعضای وزارت خارجه آغاز به فعالیت کرده اند. از میان آنان می توان محمد باقر نوبخت، محمدرضا موالی زاده، محمود جمالی، حسن سبحانی (نماینده مجلس)، محمد حسین محلوجی، علی اکبر ترکان (وزیر راه و ترابری)، مرتضی محمد خان (وزیر پیشین)، حسین موسویان، محمود واعظی (از اعضای وزارت خارجه)، فاطمه هاشمی (دختر هاشمی) و علی لاریجانی (سرپرست صدا و سیمای رژیم) را نام برد.

۱- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: این سازمان درکنار هیئت مؤتلفه اسلامی از قدیمی ترین گروههای طرفدار جمهوری اسلامیند این سازمان با وجودی که فاقد اعضا و طرفدار است ولی در تمام دوران حکومت نقش فعالی را ایفا کرده است از عناصر اصلی این سازمان می توان بهزاد نبوی و محمد سلامتیان را نام برد.

۲- اتحادیه انجمنهای اسلامی سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت): دبیر کل این اتحادیه طبرزدی است و اعضای هیئت امنای آن عبارتند از: پرویز سفری، محمد میرابراهیمی، جواد امانی و محمد سلامتی است.

۳- انجمن اسلامی معلمان

۴- انجمن مدرسین دانشگاههای سراسر کشور

۵- انجمن اسلامی جامعه پزشکی

۶- انجمن اسلامی مهندسان ایران

۷- حزب اسلامی کار

۸- حزب مشارکت اسلامی. از افراد این حزب میتوان محمدرضا خاتمی را نام برد

۹- خانه کارگر. دیگر گروهها و احزاب وابسته به حلقه ها و محفلهای گوناگون خودی ها عبارتند از:

جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب.

فعالیت رسمی این جمعیت از فروردین ۷۴ شروع شده است اعضای موسس آن عبارتند از: سید علی غیوری، محمد محمدی نیک (ری شهری)، سیدعلی اکبر ابوترابی، علی رازینی (از دست اندرکاران قتلای سیاسی)، محمداصداق عرب نیا، روح اله حسینیان (از دست اندرکاران قتلای سیاسی)، محمدی عراقی (نماینده سابق خمینی در سپاه)، احمد پورنجاتی، محمد شریعتمنداری و عباس سلیمی نمین.

جهانیان نشان دادند که خواستار دموکراسی واقعی در سراسر ایران هستند.

پاورقی ها:

۱- رضا شلتوکی از رهبران شاخه نظامی حزب توده برای تکراننده تعریف می کرد که بزرگترین خیانت را کبانوری رهبر و احسان طبری تنسورسین حزب نوده کرده اند. بخاطر اینکه حزب را با تمامی تشکیلاتش تسلیم رژیم کردند. رضا شلتوکی زیر شدیدترین شکنجه ها جان خود را از دست داد.

۲- جامعه روحانیت مبارز تا کنون ۲۶۷ نفر از سرگذراننده اند یکی در سال ۶۷ که عده ای مجمع روحانیون مبارز را بوجود آورده اند و دیگری در آستانه مجلس پنجم که رفسنجانی را به مسیری کشاندند. بزرگترین مخالف دولت خاتمی همین تشکیلات است که اخیراً بعد از صحبت های خامنه ای هم به وحدت رسیده اند و در رابطه با نماینده دکاتور وقت ظهور خواستار برکناری وزیر ارشاد رژیم شده است.

بیش از ۸۰۰ نفر از کاندیداتوره های انتخابی چگونه می توان مرزبندی دقیق کرد و پیش بینی میشود که کشتی دولت خاتمی با مجلس ششم در ساحل جامعه مدنی به گل نشیند! رژیم شاه که در آخرین انتخابات حزب رستاخیز را به صحنه انتخابات کشانده بود همین هدف را دنبال می کرد که فیگورهای دموکراتیک خود را به نمایش بگذارد ولی آیا توانست به چنین هدفی برسد؟ نباید از یاد برد و رژیم باید قبول کند که این فرقه گرایی و جنگ احزاب در درون خود و انواع حقه ها و دجالگریها نمی تواند مردم ایران را فریب دهد چون مردم ایران جز به سرنگونی ملایان حاکم به چیز دیگری رضایت نمی دهند و این حقیقت را در تظاهرات های بزرگ شهرهای مشهد، اسلامشهر، قزوین و حرکت ۶ روزه دانشجویان در شهرهای بزرگ ایران به

پای صندوق های رای، گذاشتن راهپیمانیهای حمایتی از حاکمیت و گرفتن عکس و فیلم و... از عمده کارهای این گروههاست. اگر غیر از این می بود کشور می باید قدمهای اولیه دموکراسی را در طول این ۲۱ سال طی کرده بود.

سخن آخر این بحث

در درون رژیم جناح بندیها فرق چندانی با یکدیگر ندارند تمامی آنها برای حفظ نظام جمهوری اسلامی تلاش می کنند. در واقع آنها فیگورهای دموکرات منشانه می گیرند و رژیم هم برای گرم نگه داشتن تنور انتخابات از این نمایشات استقبال می کند. در همین رابطه یکی از طرفداران خاتمی از اعضای حزب مشارکت اسلامی می گوید: مرزبندی ما این بار دقیق تر از گذشته است. ولی نمیدانیم با رد صلاحیت

شیخ های اکبر شاه

پدراہ

رقیباً! میهمانا! میزدار مجلس ام چون کوسه ای بر موج می

لغزم

حیانی نیست، شرمی نیست، اگر هم صحبتی هست، قصه

شیشلیک و دندان است

من آیم وعده دیدار بگذارم، به لندن در کنار یار بگذارم

که می گوید سحر یا شامگاه خمپاره ای ناید

فریب می دهند، این سرخی رب یا اناری نیست،

گوش ترکش خورده است این، یادگاری از قیام ناب تهران است،

زمستان است.

روزنامه فتح خطاب به رفسنجانی نوشت: « آیا برازنده یک

سیاستمدار مجرب است که در یک عمر دو بار کتاب خاطرات

بنویسد؟»

به باور من آینده ننگین آخوندها آنقدر عیان است که احتیاجی

به کتاب دوم نیست، هم الان رفسنجانی می تواند خاطرات

سالهای بعد را ضمیمه بیوگرافی اش کند.

زمستان است

عبایم را نمی خواهند پانچو ❗ گفت،

صدها بز پریشانند.

مگر پر پسته دستی، سربشان یازم،

که با سرعت پرند از گله شان بیرون

که پسته سخت خندان است.

* پانچو: نوعی شغل سرخپوستان

چرا عصبانی می شویم

در افسانک سپر و پین

عصبانیت از خود نشان می دهد و در این وضعیت حرکات اضافی و اغلب برای مدت کوتاهی غیر قابل کنترل، از فرد بروز خواهد کرد، که بعضا بصورت داد و فریاد و کوبیدن مشت به در و دیوار ظاهر می شوند.

یکی از مشکلات، بروز عصبانیت در حالات خاص است، وقتی عصبانیت سراغ فرد می آید او کمتر قادر به کنترل خود خواهد بود. در حالت عصبانیت حواس فرد خوب کار نمی کند و در چنین موقعیتی خوب نمی بیند، خوب نمی شنود و در حقیقت قوه تعقل و ادراک او نیز مختل می گردد. چه بسا ممکن است فرد خشمگین در حالت عصبانیت دست به کارهایی بزند که برای خودش هم باور کردنش مشکل بوده و پس از پایان یافتن آتش خشم، دچار ندامت و پشیمانی گردد، که همین امر عامل ایجاد مشکلات جدید در او خواهد گردید.

لازم است اشاره گردد که نمود های دیگری نیز در این گونه موارد در انسان فعال هستند که درست ضد عصبانیت عمل می کنند. در این رابطه می توان از انکار و شکایت کردن نام برد که هر دو آنها نقطه مقابل عصبانیت هستند، و البته بررسی آنها نیاز به مباحث جداگانه دارد.

بروز و نحوه عصبانیت در تمام افراد به یک شکل نیست و این موضوع می تواند به گونه های متفاوتی بروز کند. بسیاری از افراد وقتی کاری یا مطلبی را در وهله اول خوب فراموش می گیرند از مواجهه با مشکل در جریان انجام آن و احساس ناتوانی در کسب موفقیت عصبانی شده و حتی ممکن است در صورت شدت عصبانیت وسایل کار خود را نیز به طرفی پرتاب کنند. داشتن خوی عصبانیت در بچه ها گاهی اوقات برای پدران و مادران ایجاد نگرانی می نماید. والدین غالبا با این مشکل مواجهند که با بچه هایی که زود عصبانی می شوند چه برخوردی باید صورت پذیرد. آنان از این ترس

عصبانیت مثل سایر احساسات ضروری همچون امید، دوست داشتن، یاس و شادی، احساسی است که بطور طبیعی در انسان وجود دارد. همچنانکه هر کدام از این احساسات در مواقع خاصی ابزار وجود می کنند خشم و عصبانیت نیز باز تاب احساس بی پشتوانگی، ناتوان بودن و یا قدر ناشناسی از طرف دیگران، می باشد. عصبانیت همچنین یکی از عوامل ایجاد تعادل روحی در فرد می باشد. بعنوان مثال وقتی فردی از کاری یا برخوردی ناراضی است و در ضمن در خودش قدرت مقابله با آن را نمی بیند و از طرفی هم نمی خواهد آن را بپذیرد. در نتیجه تضاد و برخورد این دو گانگی با یکدیگر منجر به شعله ور شدن آتش خشم در او می گردد که بازتاب بیرونی آن بصورت عصبانیت، داد، فریاد، مشت کوبیدن، پرخاش کردن و جلسب توجه کردن نمودار می شود.

انسان با بروز خشم و عصبانیت احساس بدون کمک ماندن و بی پشتوانه بودن خود را بیان می دارد و از این طریق به جلب توجه و کمک و حمایت می پردازد و در ضمن اطرافیانش را نسبت به نحوه رفتارشان در مورد خود آگاه می سازد، که در حقیقت با نشان دادن چنین عکس العملی به نوعی به برقرار کردن تعادل بین احساسات خود می پردازد. وسعی می کند تا حدودی آرامش خویش را باز یابد.

پروسه رشد و بلوغ انسان به نحوی است که فرد در جریان آن قادر خواهد بود خود را در هر مرحله قانع احساس کرده که بتواند تا حدودی احساس رضایت نماید و در این حالت است که رفتاری متعادل از او بروز خواهد نمود. ولی مشکل زمانی به وجود می آید که فرد نقطه روشن و قابل قبولی از موقعیت خود نداشته باشد و به اصطلاح موقعیت خود را تاریک احساس کند. در این حالت است که فرد متوسل به گریه و زاری شده و یا خشم و

دارند که آینده فرزندانشان چه میشود. آیا وقتی که آنها بزرگتر شدند می توانند بعنوان یک فرد اجتماعی روابط و مناسبات در خور اجتماع داشته و افراد موفق باشند؟ و آیا اینکه در نتیجه عدم سازگاری و عدم برخورد صحیح با دیگران به تدریج دوستان خود را از دست داده و فردی منزوی و گوشه گیر خواهند شد و همین امر موجبات پیدایش تصور و شکست در اعتماد به نفس آنها را فراهم آورده و در نتیجه قادر نخواهند بود در جامعه جایی برای خود باز نمایند.

همانطور که اشاره شد لازم است توجه شود که بروز عصبانیت عموما امری طبیعی است و میتوان گفت خیلی وقت ها اشتباه والدین از درک و فهم درست در باره فرزندان و شرایطی که آنها را عصبانی می کند، خود باعث ایجاد و یا تشدید عصبانیت در آنها می گردد. به عنوان مثال می توان مجسم کرد کودکی را که برای اولین بار می خواهد نقاشی کند. چون در این کار مهارت و کارایی لازم را ندارد نقاشی او تابلوی درهم و برهمی آمیخته از رنگهای مختلف می شود که طبیعتا خوشایند و مورد دلخواه او نخواهد بود. همین موضوع باعث عصبانیت او شده، مدادها، کاغذ و خلاصه همه چیز را به طرفی پرتاب کرده و دست از کار می کشد. ولی پس از پایان یافتن خشم و عصبانیت، از کار خود پشیمان شده و مثلا به عذر خواهی می پردازد.

برای مقابله با رفتارهای عصبی طرق مختلفی وجود دارد. یکی از شیوه ها برخورد و گفتگو با فرد به شیوه مسالمت آمیز و روشن ساختن معایب کار او یا دلایل روشن میباشد. که البته اینکار وقتی موثر است که پس از اتمام عصبانیت و در شرایط مناسب و قابل پذیرش انجام پذیرد. دیگر اینکه زمانی که برایمان روشن شد که فرد در زمینه خاصی دارای مشکل است و احتیاج به کمک دارد دست او را جهت یاری گرفته و کمک فکری لازم در زمینه حل مشکلش را در اختیار او بگذاریم.

«از تاریخ بیاموزیم»

جوامع انسانی طی روند تکاملی خود، فراز و نشیبهای مختلفی را از سر گذرانده اند. در این رهگذر، جریانهای شکل گرفته و رخدادهایی به وقوع پیوسته که دقت روی آنها می تواند تجارب گرانبایی به ارمغان آورد. بدون شک اشتراک عمل و استلاف نیروها آزادی و توسعه اجتماعی، بنیادی ترین نیازهای مقطع کنونی حیات اجتماعی ما را تشکیل می دهند. در راستای پاسخگویی به این نیازها می کوشیم. در هر شماره با گزینش فرازی از تاریخ ایران با جهان، مشغلی فکری راه تلاش عمومی و مشترکمان برافروزیم.

گزینش مطالب از کتابهای مختلف در اینجا، فقط از جنبه آموزش تاریخی آن مورد نظر بوده و به معنی تأیید همه آنها نیست.

اشاره:

در این شماره ششمین قسمت از کتاب «تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون» از نظرتان می گذرد. این کتاب تالیف آلبرماله - ژول ایزاک و ترجمه رشید قاسمی است.

لوی شانزدهم

فرانسه در ۱۷۸۹

شاه و قدرت او

سلطنت فرانسه در اعقاب ذکور سلاطین بر حسب ارشدیت موروث بود، نسران خاندان شاهی از عهد قرون وسطی به بعد بموجب رسمی که آن را قانون سالیک می گویند از سلطنت محروم بودند.

شاه من جانب الله صاحب تاج و تخت می شد و مردم سلطنت را در دست پادشاه ودیعه الهیه فرض می نمودند، بنا براین هیچ آفریده ای در روی زمین حق نداشت در اعمال

از دو سال از کلیه اصلاحات خود چشم پوشد (۱۷۷۴-۱۷۷۶). دوازده سال بقیه این دوره را لوی شانزدهم مثل نیاکان خود به رتق و فتق امور پرداخت و عینا رفتار شاهان قدیم را تکرار نمود، مخارج جنگ آمریکا و مصارف بی حد و حصر دربار شاهی قروض جدیدی بر دیون زمان لوی شانزدهم افزود و این اختلال امور مالی به درجه ای رسید که در سنه ۱۷۸۹ شاه مجبور شد به ملت متشبث شده و نمایندگان طبقات ثلاثه ملت را دعوت کند، انقلاب کبیر از اینجا ناشی شد.

جانشین لوی شانزدهم نوه او لوی شانزدهم شد که آخرین پادشاه دوره استبداد فرانسه محسوب میگردد. سلطنت او هیجده سال دوام یافت (از ۱۰ ماه مه ۱۷۷۴ تا ۱۰ ماه اوت ۱۷۹۲) که به واسطه ظهور انقلاب ۱۷۸۹ آن را به دو قسمت می توان تقسیم نمود. در دوره اول سلطنت که مدتش چهارده سال بود لوی شانزدهم مثل اجداد خود سلطنت مطلقه داشت و بدست تورگو وزیر درصدد اصلاحاتی برآمد لکن نظر به مخالفت عموم اعضای خانواده سلطنتی و طبقه ممتاز لوی شانزدهم مجبور شد که بعد

اخراجات را دولت وصول نمی کرد و بعهدده نظار ایالات بود که از شاه اجاره می کردند (مثل سلطان عثمانی که در همین اواخر مالیاتها را مقاطعه می داد) از این جهت وصول این اخراجات با کمال وقاحت و سختگیری بعمل می آمد زیرا که ناظر محل مواظبت تام میکرد و بوسایل مختلفه درصده ازدیاد عواید خود برمی آمد.

اوضاع اجتماعی

تشکیلات اجتماعی در سال ۱۷۸۹ عینا نظیر پانصدسال قبل یعنی دوره پادشاهی فیلیپ لوبل در قرن سیزدهم بود و اصل اصیل جمیع تشکیلات عدم مساوات بود. ملت فرانسه به سه طبقه بزرگ منقسم می گشت: روحانیون، نجبا و رعایا (یا طبقه سوم). دو طبقه اول ممتاز بودند و این امتیازات یا افتخاری و عنوانی بود مثل حق ورود به دربار شاهی یا امتیاز حقیقی و مادی بود مثل معافیت از مالیات تالی (اراضی و مستغلات). روحانیون حق وصول مالیات دیم یا عشریه محصولات را داشتند و نجبا عوارض مالیاتی قرون وسطی را هنوز از رعیت می گرفتند. طبقه سوم مرکب از توانگران و عملجات و دهقانان بود و بعضی از توانگران امتیازاتی داشتند و سنگین ترین بار مالیات بدوش توده ملت یعنی کارگران فقیر و زارعین بینوا می افتاد.

نظر به فقدان احصاییه در آن زمان درست نمی دانیم جمعیت فرانسه چقدر بوده و عموماً بطور تخمین بیست و پنج میلیون حدس می زنند، طبقه روحانیون و نجبا هر یک دارای صد و سی تا صد و چهل هزار جمعیت بود و جمعا به ۲۷۰۰۰۰ می رسید همین مقدار هم توانگران و کسبه را که معافیت های مهم یافته و امتیازاتی تحصیل کرده بودند اگر محسوب بداریم مجموع افراد طبقات ممتاز به ۶۰۰۰۰۰ بالغ می گردید

مالیاتهای مستقیم

مالیات دو قسم بود، مستقیم و غیر مستقیم. مالیات مستقیم عبارت بود از مالیات ارضی و مستغلات که از قرون وسطی و جنگ صد ساله به یادگار مانده بود و سر شماری و خمس. این دو مالیات اخیر را در زمان لوی چهاردهم جعل کرده بودند.

مالیات ارضی و مستغلات در همه جا یکسان نبود، در ولایات جنوبی از زمین و خانه می گرفتند و این را مالیات مستقیم حقیقی می خواندند و ماخذ عادلانه هم داشت زیرا که از روی اشیای محسوسه اخذ می گردید. در سایر ایالات همین مالیات را به نسبت دارایی برآوردی و مکتب حدسی اشخاص بدون هیچ میزری و تحقیقی دریافت می کردند و غالباً به جزسی علامتی میزان آن را تغییر می دادند. مثلاً اگر مودی مالیاتی را می دینند که قدری فریه تر شده یا پر مرغ در حوالی منزل او افتاده حکم برتمول و رفاهیت او کرده مالیات شخصی او را بالا میبردند.

این مالیات را که تالی می گفتند از رعایا و عملجات و کسبه و تجار می گرفتند، نجبا و روحانیون از آن معاف بودند، لکن دو مالیات دیگر که سرشماری و خمس (یا عشرینیه) باشد قانوناً عمومیت داشت. [...]

اگر چه گفتیم که مالیات طبقاتی و خمس عمومیت داشت لکن این تعمیم بر حسب قانون و به فرض صحت اجرا بود. عملاً جز طبقه رعیت و کاسب از کسی وصول نمی شد. مثلاً روحانیون در سال ۱۷۱۰ مالیات طبقاتی خود را از دولت خریدند به این معنی که دفعتاً وجهی که معادل مالیات شش سال آنها می شد پرداخته و معاف گشتند.

مالیاتهای غیر مستقیم

مالیاتهای معتبر غیر مستقیم عبارت بود از مالیات نمک و رسوم شراب. این قبیل

شاه چون و چرا کند و برای قدرت او حدی فرض نماید و چنانکه لوی شانزدهم در ماه اکتبر ۱۷۸۷ در پارلمان اظهار داشت «شاه در اعمال خود مستول هیچکس نیست جز خدای تعالی» بنا بر این از اوایل عهد لوی سیزدهم تا این دوره که ۱۷۵ سال می گذشت دولت مجلس مبعوثان ملت را دعوت نکرده بود و مردم باور نمی کردند که در صورت تشکیل مجلس مبعوثان جز مشاوره در امور کاری بتواند انجام بدهد.

بالجمله حکومت شاه مطلقه بود، اراده او فقط حکم قانون داشت و مثل امپراطوران روم شخص سلطان «قانون زنده» محسوب می شد. [...]

قضاوت

[...] در سباب جنایات قوانین موجوده سختگیری و مجازات به درجه توحش و بربریت می رساندند، اموری که این زمان به زحمت می توان آنها را در ردیف جنحه و خلاف قرار داد و مجازات آنها به چند فرانک می شود در آن عهد جنایت عظیم و گناه کبیر شناخته می شد مثلاً تخطی به صیدگاه غیر یا کشتن صید دیگران که اکنون مجازاتش ۲۵ فرانک است در آن دوره مرتکبین را به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم می ساخت و بنا بر مسظورات یکی از دستورالعملهای مبعوثان ملت «محاکم عدلیه بدون تردید انسانی را در مقابل قتل خرگوشی به راد عدم می فرستند». در آن دوره هر کس متهم می شد اصل را مجرمیت می دانستند، شکنجه های ابتدایی و استنطاقات سخت که بر متهمین وارد می کردند تا به جرم خود اقرار کنند در سال ۱۷۸۰ ملغی شد اما شکنجه که قبل از اجرای حکم محکمه می نمودند کماکان باقی بود و اگر چه شاه در ۱۷۸۸ رسماً آنرا منع فرمود لکن عملاً متروک نشد.

ولی افراد عادی و بی امتیاز از بیست و چهار میلیون تجاوز می کرد.

ثروت روحانیون

روحانیون دارای ثروتی هنگفت بودند لکن به تحقیق نمی توان میزان آن را معین ساخت. در سال ۱۷۹۱ کمیته مالی راپورتی حاکی از برآورد ثروت و دارایی روحانیون به مجلس تقدیم داشت که قیمت منقول و غیر منقول اموال روحانیون را به سه میلیارد تخمین میکرد. بنابر مشهور وسعت املاک کشیشان یک خمس مساحت فرانسه بود. در بعضی ولایات مثل آرتوا کشیشان سالک سه ربع اراضی بودند و در فرانچ کونته والزاس نصف اراضی را در تصرف داشتند و در ولایات ولی تقریبا تمام املاک را بدست آورده بودند. بنابر تحقیقات هیات تفتیش امور کشیشان که در سال ۱۷۹۰ به امر مجلس ملی کردند عایدی سالیانه روحانیون کمتر از ۷۰ میلیون نبود و بنابر قول لاووازیه عالم معروف که سابقا از نظر معتبر ولایات محسوب می شد منافع سالیانه آنها به ۸۵ میلیون می رسید. علاوه بر این عواید کشیشان از طریق وصول مالیات عشریه که از تمام مزروعات و محصولات دهقانان می گرفتند مبلغ هنگفتی میان ۸۰ الی ۱۰۰ میلیون خالص دخل می کردند، باضافه کشیشان عوارض محلی که یادگار قرون وسطی بود از اموال و مکاسب رعیت می گرفتند که در سال به ۵۰ میلیون بالغ می شد. پس جمع کل مداخل روحانیون قریب دویست یا دویست و بیست میلیون لیره بود.

نجبا

نجبا که طبقه دوم ملت بودند به دو دسته تقسیم می شدند: ارباب سیف و ارباب قلم. دسته اول از نژاد نجبای قدیم و مرکب از اصلاذگان بود که غالبا به القاب بزرگ مثل

دوک، مارکی، کنت و غیره ملقب بودند. دسته دوم نجابت را از سلاطین می گرفتند یعنی از طرف شاه به رتبه نجابت می رسیدند و مشاغل و اعمال دولتی بیشتر به آنان رجوع می گردید. نجبای اهل سیف منقسم بدو شعبه می گشتند: بزرگان یا نجبای درباری، خردان یا نجبای ولایتی. [...]

طبقه سوم

طبقه سوم که هیچ امتیازی نداشت درواقع توده ملت را تشکیل می داد، میان افراد و اصناف این طبقه هم همان اختلاف و امتیازی که در طبقات روحانیون و نجبا بنظر می رسید موجود بود زیرا که این طبقه به چند صنف تقسیم می گردید: بورژوا (توانگران)، صنعتگران، کارگران و بزرگران. [...]

بورژوازی

صنف بورژوازی در قرن هیجدهم به ثروت و مال فراوان نایل شده بود. با وجود جنگهای بسیار تجارت روزبروز وسعت و انبساط می یافت و در ۱۷۸۹ به ۱۱۵۳ میلیون بالغ می شد، در ظرف شصت سال صادرات سه برابر شد، از این ترقی اقتصادیات فقط طبقه بورژوا منتفع گردید و همین طبقه بود که مبالغ هنگفت به شاه قرض داد و دست به کارهای بزرگ زد از قبیل تسطیح طرق و غیره و همچنین مستقما اختلال امور مالیه دولت با منافع این طبقه اصطکاک می کرد و کسر دخل یا پرداخت غیر منظم حقوق و ورشکست خزانه دولت به همین طبقه مربوط بود و بنابراین عموما تقاضا داشتند که در عواید و مخارج مملکت نظارت نموده و در امور اداری شرکت بجویند. افراد این صنف اکثر دارای معلومات بودند و کتب علمای اقتصاد و فلاسفه زمان را مانند موتسکیو، ولتر مخصوصا روسو را خوانده بودند. این

فیلسوف اخیر طرفدار سلطه ملت و مساوات افراد محسوب می شد. پس این مردم خود را با نجبا برابر نهاده و علم و اطلاع و ثروت خود را با القاب و مراتب افتخاری یا موروثی نجبا می سنجیدند و مایل بودند که در مملکت انقلاب اجتماعی صورت بگیرد و طبقه بورژوا با نجبا مساوی بشوند. رساله ای که آبه سی یس در ماه ژانویه ۱۷۸۹ منتشر ساخت و شهرت فوق العاده یافت مرام و نیات صنف بورژوا را چنین بیان می کرد: «طبقه سوم چیست؟ همه چیز. تا حال این طبقه در سیاست چه مقامی داشت؟ هیچ. حال چه می خواهد؟ اینکه او نیز به چیزی محسوب شود!»

فقر عمومی

بالطبع رعیت پس اندازی نداشت، کمترین اختلاف هوا و باد و بارانی محصول او را فاسد می کرد و آتش قحط و غلا را دامن می زد، در وقتیکه مجلس طبقات ثلاثه را در شرف تشکیل بود، مملکت فرانسه بحرانی عظیم و خطری صعب را می گذرانید، حاصل سال ۱۷۸۸ رضایت بخش نبود و زمستان سال ۱۷۸۹ از سخت ترین زمستانها محسوب می شد. [...] در پاریس از ۶۵۰۰۰۰ نفر اهالی ۱۲۰۰۰۰ نفر را از جمله فقرا می شمردند و همه برای شورش حاضر بودند، دستورالعمل مبعوثان ملت پر از شکایت و داد و فریاد بود. مبعوثان ایالت برتانی می گفتند: «ما حقیقتا بنده و مملوک ارباب هسینم عوارضی که باید بپردازیم ما را غلام مالکین ساخته است، بلای عظیم و آفت مدهش ما طرز فئودالیته است و ما باید هر قسم هست آن را منسوخ سازیم و دقیقه ای تاخیر جایز ندانیم.»

بقیه " اخبار و گزارشها" از صفحه ۱۰ خودرو را به آتش کشیدند. تظاهرکنندگان شاهراه کازرون به شیراز را بمدت ۷ ساعت بستند. پس از چندین ساعت درگیری، نیروهای انتظامی با دخالت خود آرامش را برقرار ساختند. از تلفات انسانی در کازرون گزارشی دریافت نکرده ایم.

رادیو اسرائیل ۳ اسفند:

مدیرکل انتخابات وزارت کشور ایران اعلام کرد از میان ۳۸۷۰۰۰۰۰ نفر دارندگان حق رأی ۲۷ میلیون نفر پای صندوقهای رأی رفتند... میزان شرکت مردم در رأی گیری ۷۱ درصد بوده است و این درحالیکه بلافاصله پس از انتخابات میزان شرکت ۸۳ درصد اعلام گردیده و گفته شده بود که جمعاً ۳۲ میلیون نفر رأی داده اند. شمار شرکت کنندگان در انتخابات مجلس پنجم (چهار سال پیش) ۲۵ میلیون نفر اعلام شده بود.

جنگ جناحها

روزنامه های رژیم، نقل از بی بی سی ۱۹ بهمن:

ابوالقاسم سرحدی زاده دبیر حزب اسلامی کار در گفتگو با صبح امروز ضمن مخالفت با آیین نامه جدید شورای نگهبان گفته است: نمیدانم رئیس جمهوری تا کی می خواهد به صبر و مدارای خود ادامه بدهند... روزنامه رسالت انتقاد خود را متوجه جناح اصلاح طلب کرده و با اشاره به درگیریهای اوایل انقلاب تحت عنوان حمایت از خلق ترکمن، خلق کرد، خلق بلوچ، و مجاهد خلق نوشته است امروز هم جریانی با داعیه اصلاح طلبی همان طریق باطل را درپیش گرفته است... نویسنده کیهان(نیز) پیش بینی می کنند که فضای تشنج انتخاباتی در روزهای آینده تشدید شود.

رادیو فرانسه ۲۴ دی:

آیت اله صادق خلخالی در مصاحبه ای که در شماره امروز فیگارو چاپ پاریس منتشر شد اعلام کرد که باردیگر به صحنه سیاست ایران باز میگردد و در صفوف مجمع روحانیان مبارز قرار می گیرد. وی ضمن انتقاد از اصلاح طلبانی که تخم آشوب می کارند توافق کامل خود را با نظریات محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران ابراز داشت.

رادیو اسرائیل ۲۹ دی:

وزیر پیشین کار در حکومت اسلامی، آقای احمد توکلی ابراز عقیده کرد حجت الاسلام خاتمی در تحقق وعده هایی که به مردم داد تا کنون چندان موفق نبوده. آقای توکلی اذعان کرد نقش... خاتمی کمک به حفظ امید ملت نسبت به نظام است ولی افزود اقدامات کم وی به افزایش امید کمکی نکرده و مردم توقعاتشان بیشتر میشود.

روزنامه های رژیم ۳۰ دی نقل از بی بی سی: رسالت روزنامه جناح محافظه کار... نوشته: آقای هاشمی با حضور خود در صحنه رقابت انتخاباتی آتش زیر خاکستر اختلافات جبهه دوم خرداد را آشکار کرده... بیان روزنامه جناح چپ، نظر هادی غفاری روحانی تندرو سالهای نخست انقلاب را چاپ کرده که بعد از سالها سکوت گفته است هاشمی رفسنجانی مرد سکوت سالهای قربانی شدن فرزندان انقلاب است وی تاکید کرده که هاشمی شجاع است اظهارنظر صریح را از دست داده و بیش از حد احساس پدیری می کند.

رادیو اسرائیل ۳ بهمن:

آقای اکبر گنجی در مقاله ای که در روز چهارشنبه در روزنامه صبح امروز تحت عنوان «عالیجناب سرخپوش» انتشار یافت وی را عامل اصلی ریختن خون ملت

ایران دانست و نوشت: رفسنجانی مسئول کشتار صدها هزار ایرانی در جنگ ایران و عراق بدلیل طولانی تر کردن بیهوده آن جنگ پس از پیروزی ایران در فتح خرمشهر و عامل معلولیت و اسارت هزاران جوان ایرانی بود... قتل دهها روشنفکر ایرانی در ایران و خارج از کشور طی دوران ریاست جمهوری وی بود. آقای گنجی که خود از دست اندرکاران بلند پایه وزارت اطلاعات حکومت اسلامی بوده ابراز اطمینان می کند که دست کم ۸۰ نفر از نویسندگان و دیگر روشنفکران داخل ایران از سوی دو دولت حجت الاسلام رفسنجانی توسط ماموران وزارت اطلاعات در چهارچوب یک طرح منظم به قتل رسیده اند...

رادیو امریکا ۵ بهمن:

آیت اله علی خامنه ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی حاضر شد غلامحسین کرباسچی شهردار اصلاح طلب پیشین تهران را که به اتهام فساد به زندان افتاده بود عفو کند. رسانه های رسمی ایران امروز گزارش کردند آقای کرباسچی که از شنبه تا کنون برای ملاقات با خانواده خود مرخصی گرفته بود دیگر به زندان باز نمیگردد... چند تا از روزنامه های ایران (نوشتند) که علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری پیشین ایران نزد آیت اله خامنه ای برای آزادی آقای کرباسچی شفاعت کرده است... گفته میشود که شهردار پیشین تهران در انتخابات سراسری ۳ سال پیش به انتخاب شدن آقای محمد خاتمی به ریاست جمهوری کمک کرده است.

اقتصادی - اجتماعی

رادیو اسرائیل ۲ بهمن:

(طی حکمی در ایران) هر ۱۰ انگشت این مردان یکجا قطع شد این حکم روز چهارشنبه انجام شد که روزنامه همشهری

خبر آن را منتشر کرد. آنان غیر از این حکم وخیم به تحمل ضربات شلاق نیز محکوم شدند. قطع انگشتان این ۱۰ مرد که بقول ایرانیها دزدان کوچک و آفتابه دزد بودند در حالیست که دزدان و تبهکاران بزرگ در ساختار حکومت اسلامی به سرقت بیت المال ایرانیان (مشغولند) ...

رادیو امریکا ۵ بهمن:

اقتصاد جهان متشکل از ۱۸۷ کشور با ۶ میلیارد جمعیت و حدود ۳۰ تریلیون دلار تولیدات کالا و خدمات در سال ۱۹۹۸ با بحرانهای مالی شدیدی در آسیای شرقی، روسیه و آمریکای لاتین مواجه بود. اما کماکان تولیدات کالا و خدمات نسبت به سال قبل ۲ درصد رشد نشان داد. ... ایران با جمعیتی معادل یک صدم جمعیت کره زمین فقط یک سیصدم درآمد جهان را نصیب خود نمود تازه اگر شیرهای نفت صادراتی را ببندیم سهم ایران از تجارت جهانی از دو دهم درصد به نیم دهم درصد کاهش خواهد یافت.

بی بی سی ۱۱ بهمن:

(امریکا) سعی خواهد کرد که هیئت مدیره بانک جهانی را از تصویب دو وام تازه برای ایران منصرف کند اما این خواست امریکا پذیرفته نخواهد شد چرا که وامهای بانک جهانی به قصد متمایل کردن ایران به غرب و اصلاح اقتصاد ایران اختصاص داده شده است... در عین حال کمک اقتصادی از طرف بانک جهانی میتواند وسیله ای در خدمت سازمانهای بین المللی برای پیشبرد اهداف اصلاح طلبان بسوی تغییرات مثبت بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

رادیو فرانسه ۲۶ بهمن:

بخش وسیعی از ناظران امور ایران براین باورند که نبود امنیت مهمترین سرچشمه دشواریهای اقتصادی این کشور است. فرار سرمایه و تخصص از ایران همچنان ادامه دارد و در این شرایط سرمایه گذاران خارجی نیز به ایران پشت می کنند و یا دامنه مشارکت خود در فرایند

توسعه آن را به معدودی قراردادهای «بای بک» در رشته های نفت و گاز محدود می سازند.

کارگری - دانشجویی

رادیو اسرائیل ۲۸ دی:

روزنامه اخبار اقتصاد نوشت: ... اقدام اعتراضی (کارگران) روز گذشته در شهر آبادان صورت گرفت که طی آن کارکنان پالایشگاه در برابر ساختمان عملیات پالایش و نقل و انتقالات مواد نفتی این واحد گرد آمدند و به اعتراض دست زدند... کارکنان پالایشگاه می گویند منازل کارگری شرکت نفت که به آنها پیشنهاد شده بسیار نامناسب است... هم چنین اعلام شد رشته اعتراضات و تجمعات دیگری از سوی کارکنان چند کارخانه و مجتمعهای صنعتی و کشاورزی در دیگر نقاط ایران به عمل آمده است... .

رادیو امریکا ۲۸ دی:

در تهران یک دادگاه تجدید نظر حکم محکومیت دو دانشجو... به اتهام نوشتن نایشنامه ای که محافظه کاران می گویند امام زمان در آن مورد تمسخر قرار گرفته زندانی شدند کاهش داده است. در ماه نوامبر پس از آنکه دادگاه مطبوعات... دانشجویان را متهم به کفرگویی کرد آنها را به ۳ سال زندان محکوم کرده بود...

رادیو امریکا ۴ بهمن:

دولت ایران می گوید ۲۰ ماسور پلیس به سبب دست داشتن در حمله به یک خوابگاه دانشجویان تهران روز ۲۳ فوریه محاکمه می شوند. این حمله طی تظاهرات دانشجویان به هواخواهی از دموکراسی صورت گرفت. دادستان عمومی ایران عباسعلی فراتی گفت: از جمله اتهامات متهمان ورود غیرقانونی ببه خوابگاه دانشجویان بوده است. مقامات تایید کرده اند که دست کم یک دانشجو در آن حمله کشته شد و در آشوبهای روزهای بعد که به خیابانهای تهران و دیگر شهرها کشید نیز عده دیگری کشته شدند...

رادیو امریکا ۲ اسفند:

گزارشهای رسانه های ایران حاکیست که قوه قضائیه ایران حکم اعدام یک دانشجو را که به اتهام برانگیختن آشوب در جریان تظاهرات مردم ایران به طرفداری از دموکراسی در ۸ ماه پیش محکوم به مرگ شده ابرام و تایید کرده است. اکبر محمدی یکی از سه دانشجویی است که به اتهام برانگیختن خشونت در جریان تظاهرات دموکراسی خواهی مقرر شناخته شده است. دو دانشجوی دیگر به حبس محکوم شدند. تظاهرات در دانشگاه تهران به آشوب و سپس به سرکوب خونین دانشجویان از سوی پلیس منجر شد.

امور خارجی

رسانه ها ۲۰ و ۲۱ دی:

وزیر امور خارجه رژیم به منظور آغاز نخستین دوره گفتگوی خویش با تونی بلر نخست وزیر انگلیس مستقیما از فرودگاه عازم محل نخست وزیری آن کشور شد و بدت نیم ساعت با او گفتگو داشت این نخستین سفر یک وزیر ایرانی به انگلیس پس از انقلاب در ایران است. کمال خرازی پس از آن با همتای انگلیسی خود رابین کوک ملاقات کرد. بریتانیا قصد دارد روابط سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی ایران را توسعه و گسترش دهد.

رادیو آلمان ۲۱ دی:

رئیس کمیته امور سیاست خارجی مجلس نمایندگان جمهوری فدرال آلمان... از حزب سوسیال دموکرات آلمان براساس گزارشات رسانه های گروهی ایران در جریان مذاکرات خود با بلند پایگان سیاسی در ایران خواستار توسعه و گسترش مناسبات هر چه بیشتر مناسبات و پیوندهای تاریخی بین آلمان و ایران شدند.

رادیو اسرائیل ۱۹ بهمن:

دولت عراق... اعلام داشت تهران صدها کیلومتر دورتر از خاک عراق قرار دارد و دولت عراق در این عملیات (خمساره بازار مرکز تهران) بی تقصیر است... . خبرگزاری عراق در واکنش به تهدیدی که دیروز از زبان فرمانده کل سپاه پاسداران ایران علیه عراق

شنیده شد از او خواست اقدامات جنایتکارانه ای را که نیروهای تحت امر او و مزدورانش به توصیف این بیابیه در خاک عراق انجام داده اند از یاد نبرد.

راديو اسرائيل ۳۰ بهمن:

در یک اقدام بی سابقه ملک فهد پادشاه عربستان سعودی امروز آیت اله سید علی خامنه ای را به دیدار رسمی از عربستان دعوت کرد چنین دعوتی از رهبر روحانی جمهوری اسلامی در ۲۱ سال موجودیت نظام کنونی سابقه نداشته است.

خمینی در وصیت نامه سیاسی خود تأکید کرده بود جنایات حکومت وهابی عربستان را با آب زمزم نمیتوان شست.

هنوی - علمی

رسانه ها ۲۲دی:

بانو ملوک ضربابی هنرمند قدیمی ایران درگذشت که بگفته نزدیکان اش وی بیش از ۱۰۰ سال سن داشت. وی حدود ۸۰ سال در کارهای هنری بود و تمسک و ضرب را بخوبی می نواخت. برخی همکاران سابقش گفتند که او می گفت از تجملات بپرهیزید. وی در ۷۵ سال پیش اذان گفت و در جواب همکارش که پرسیده بود خانم ضربابی چنین رسمی نیست جواب داده بود که چطور زن نماز بخواند ولی اذان نگوید. ملوک ضربابی در قطعه ۴۸ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

راديو فرانسه ۱۲ بهمن:

برآورد مدیران امریکایی حاکیست که تا حداکثر ۱۰ سال دیگر استفاده از شبکه اینترنت در تمامی ششون زندگانی بشر غیرقابل اجتناب خواهد بود... دو تن از اربابان صنایع تکنولوژی نوین «بیبل گیتس» مدیر مایکروسافت و «استیو کیس» مدیر... در سخنرانیهای خویش در داوس به این نکته تاکید کردند که انقلاب اینترنت تازه شروع شده است... در حال حاضر از کل ۲۰۰ میلیون نفر مصرف کننده اینترنت در جهان ۱۰۰ میلیون نفر مصرف کننده امریکایی هستند.

راديو فرانسه ۱۹ بهمن:

... چه راههایی برای پیشگیری از مبتلا شدن به بیماری سرطان وجود دارد؟... هرکسی سعی کنه چیزهایی که خیلی طبیعی تر هست استفاده کنسد. رژیمهای غذایی را که معمولاً در ایران مرسومه، استفاده کنیم... مثلاً استفاده کردن از نان و الیاف گیاهی در موقع غذا باعث میشه که خیلی از مواد سرطان زا جذب بدن نشه و جذب مواد گیاهی بشند.

راديو فرانسه ۲۷ بهمن:

هفته پیش چند سایت مشهور اینترنت که خیلی هم مورد استفاده هستند مورد حمله قرار گرفتند. این حمله کنندگان را راهزنان سبیرتیک نام داده اند. این حرکت باعث

شد چند ساعتی استفاده از این سایتها امکانپذیر نباشد.

این حمله ها به کامپیوترهای سایتهای خیلی بزرگ در اینترنت معمولاً به ۳ روش انجام میشه: روش اول این هست که حمله کنندگان درخواست های خیلی زیادی مثلاً میلیونها در هر ساعت بیشتر از ظرفیت آن کامپیوتر می فرستند و باعث میشه که سرویس قطع بشه.

روش دوم... از طریق پیامهای الکترونیکی یا email هست.

روش سومی که هم وجود داره در این حملات این هست که حمله کنندگان می آیند صفحه خیلی مشابه به صفحه ای که شما درست کردید درست می کنند.

رسانه ها ۳۰ بهمن:

نادر نادرپور نویسنده و شاعر ایرانی در منزل خود در امریکا دچار سکت قلبی شد و ساعتی بعد در سن ۷۰ سالگی در گذشت. او ۵۵ سال فعالیت ادبی داشت و با وزارت فرهنگ و هنر و مدتی نیز در سرپرستی گروه «ادب امروز» با سازمان رادیو و تلویزیون زمان شاه همکاری داشت. از آثار او در قبال از انقلاب میتسوان آسمان و ریسمان و شام بازبین و در بعد از انقلاب نیز صبح دروغین چاپ پاریس و خون خاکستر چاپ لس آنجلس را نام برد.



بهای اشتراک سالانه (با احتساب هزینه پست)

آدرس:

G.I.V.N.
P.B. 32406
2503 AC Den Haag
Nederland

اروپا معادل ۲۰ فلورن
آمریکا و کانادا معادل ۱۵ دلار آمریکا
خواهشمندیم بهای اشتراک را مستقیماً به آدرس بهار ایران ارسال نمایید.

ص ۲ ستون دوم سطر ۲ «که با بحث سیاسی درگیر نشود». صحیح: «که با بحث قدرت سیاسی درگیر نشود».

ص ۵ ستون دوم «معادن سنگ مرمر گوهره». صحیح: «معادن سنگ مرمریت گوهره».

ص ۵ ستون سوم «سنگ تراورتن آتشکده». صحیح: «سنگ تراورتن آتشکوه».

ص ۵ ستون سوم «مرکز آموزشی و پرورشی حوزه». صحیح: «مرکز آموزشی و پژوهشی حوزه».

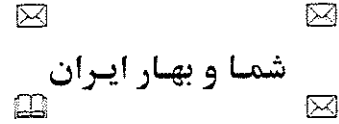
ص ۶ ستون اول «د - سدسازی - نمونه، سد عظیم ۱۵ خرداد». صحیح: «د - سدسازی - نمونه، سد عظیم ۱۵ خرداد».

واحد طبقه کارگر ایران، سال پنجم؛ شماره های ۶۱، ۶۲، ۶۳، آذر، دی و بهمن ۱۳۷۸.

● نبرد خلق، ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، دوره چهاردهم، سال شانزدهم، شماره های ۱۷۵، ۱۷۶، دی و بهمن ۱۳۷۸.

تصحیح و پژوهش

همکار گرامی، آقای پدرام چند اشتباه تایپی از مقالات: «تیر سرنگونی و پروژه بقا» در بهار ایران شماره ۱۸ را برای نشریه ارسال داشته اند که با تشکر از ایشان و پژوهش از خوانندگان، در شماره جدید نشریه درج میگردد.



شما و بهار ایران

با تشکر، نشریات زیر را دریافت نمودیم:

- آزادی، نشریه جبهه دموکراتیک ملی ایران، دوره دوم شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
- اتحاد کار، ارگان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سال ششم؛ شماره های ۶۸، ۶۹، آذر و دی ۱۳۷۸.
- توفان، ارگان سیاسی مشترک جهت تدارک کنگره موسس حزب

BahareIran@mailexcite.com

آدرس پست الکترونیکی بهار ایران:

در مورد مطالب ارسالی و نامه ها

- ۱- حتی الامکان همراه با ترجمه ها، نسخه ای از متن اصلی ارسال نمایید.
- ۲- مشخص نمایید مطلب و یا نامه تان با چه نامی در نشریه درج شود.



فرم اشتراک بهار ایران

Naam:
Adres:
.....
.....

این جانب
مایل به اشتراک بهار ایران از شماره هستم.
تعداد از هر شماره

چین دینو ددهو چینان رضو اهدو مارانرا





BAHARE IRAN

Nr: 19 Winter 2000

Genootschap van Iraanse Vluchtelingen - Nederland
G.I.V.N.
P.B. 32406
2503 AC Den Haag
Nederland